

تشدید نارضایی‌ها، بخشی از نقشه امپریالیسم امریکا، علیه انقلاب است

■ بیکاری، گرانی، بحران مسکن، انحصار طلبی از عوامل مهم ایجاد نارضایی است

■ از بین بردن زمینه‌های نارضایی بوسیله برنامه‌ها و تدابیر مشخص، یک وظیفه انقلابی است

انقلاب ایران لحظات حساس و گاه دردناکی را میگذراند. سرنوشت انقلاب مابین ابرهای تیره‌ای که در آسمان سرشار از اینار و فداکاری، وحدت و پیگیری آن گردآمده، در وضع بفرنج و گاه خطرناکی قرار میگیرد. مسئولیت تاریخی همه انقلابیون و ترقیخواهان، همه ایرانیان دوستان و مردم دوستان است که در این لحظات حساس و خطرناک باید با سیاست ضدانقلاب و خرابکاری‌های امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم امریکا، و بقایای رژیم سابق مقابله کنند و در باره اشتباهات و کجروی‌ها هشدار دهند و ابرهای تیره را پراکنده سازند.

آینده ارائه گردد. مسئله بزرگ و چنانکه بیکاری، گرانی و مسکن را میتوان در اسانگینه مشکلات، که حل نشدن آن ناراضی می‌آفریند، قرار داد این مسائل که مبتلا به اکثریت بزرگ توده مردم است، نه فقط حل نشده و راه حل آنها نیز معلوم نشده، بلکه تشدید هم یافته است.

علت تشدید بیکاری، تشدید گرانی، تشدید بحران مسکن از یک سو و در خرابکاری‌های امپریالیسم بر رژیم سابق و اعمال امپریالیسم نهفته است و از سوی دیگر در فقدان برنامه مشخص مسئولان امور و فقدان تدابیر فوری، عملی و مؤثر است. این مسائل حاد، دامان عدای طاغوتی‌ها و مشی‌مرفه پر پول را نمیگردد. آنها بقدری برده و خورده‌اند، که اگر تصمیمات جدی صادره و بازگشتن حق مسلم کشیدگان اتخاذ شود، سالها خواهد توانست در همان سطح طاغوت‌زده خود زندگی کنند. این مسائل مربوط به فقرهای توده‌هاست و اصلاح پانین جامعه و همچنین فقرهای متوسط میشود، مربوط به میلیونها ایرانی‌هاست که انقلاب کرده‌اند و از انقلاب انتظار دارند مسائل حاد کشور و خود آنها را حل کند. نباید گذاشت که این میلیونها ناراضی شوند و از نیروی عظیم انقلاب، که نیروی همین توده‌های مردم است، کاسته شود.

بیکاری بله جانگس است. سرمایه‌داران وابسته و وابستگان برژیم سابق با بستن کارخانجات، بانرا شدن مواد اولیه، باخرابکاری و کارشکنی همدان دامن می‌زنند. به‌ارزایی رئیس‌جمهور ۸۰٪ ظرفیت کارخانجات داخلی خواهد بود. در حین سازش‌ها و سازش‌های ساختن نشانه‌ها بر کود کشنده شدن عدای کارهای ساختن است. دهها هزار دستفروش و دوره‌گرد که مشغول امور بکلی غیرتولیدی هستند، از آن جهت دینی

یکی از زمینه‌های بفرنج و حساس عمل شد انقلاب، ایجاد عدای ناراضی در مردم و بواسطه استفاده از اقدامات و تصمیماتی است که به‌سوء یا به‌اشتباه گرفته میشود و عملاً ناراضی می‌سازد. انقلاب مردم مانعاً بر جبهه انقلابی بود که با شرکت توده‌های میلیونی خلق صورت گرفت و به نیروی متحد آنان پیروزی می‌آورد. اگر این توده خلق ناراضی شود، قطع امید کند، آرزوهای خود را بر باد رفته ببیند، لااقل گوشه‌گیر شود مشارکت و فعالیت را در بگریزاید بدارند، در این صورت ستون اصلی انقلاب ماتریب شده و ضدانقلاب بر حیات‌ترین سنگ انقلاب دست یافته است.

در کنار اقدامات سیاسی نظامی و فشارهای سیاسی اقتصادی و تحریکات گوناگون در زمینه سیاست خارجی و تفرقه افکنی در درون، یکی از وسایل صدها عمل امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی همین ایجاد ناراضی است. ناراضی که هر چه بیشتر میشود، توده‌های بیشتری را سرخورده و مأیوس میکند. ناراضی که از درون مثل خوره شور انقلابی و مشارکت انقلابی و آمادگی برای ایثار و دفاع را ناپدید میکند. ناراضی که هر توسط عمال ضدانقلاب دامن زده میشود و عواملش همیامینگرند (و این البته از جانب دشمن بدبختی است) و هم توسط مقامات مسئول دست اندر کار شکل فداکاری و اشتباه و یا تشنگی نظری بوجود می‌آید (و این البته باعث تاسف است).

زمینه‌های اساسی صدها ناراضی مردم در درجه اول ناشی از مسائل اقتصادی است. کسی انتظار حاصل یکشنبه این مسائل را نداشته، ولی در حال مبارزه و می‌بایست خطوط کلی حل آنها تعیین شود و نخستین گامها در این خطوط برداشته شود و برنامه عملی و مشخص و روشن آن برای

مسئله گر و گانه‌داری در تباطؤ با مسئله وابستگی به امریکا

بقای «گروگانهای» امریکایی در اختیار دانشجویان مسلمان پیر و خط امام و انتقال و قرارداد آنها در اختیار دولت ویا شورای انقلاب، ظاهراً نباید تفاوتی در اصل موضوع داشته باشد. ولی کشمکش دراز مدت بر سر این نقل و انتقال حاکی است که تحویل «گروگانها» به دولت یا شورای انقلاب تغییر و تحولی است کیفی. این تغییر کیفی از اینجا نیز مشهود است که دستگاه دولتی امریکا نه فقط از این تحویل و تحول رضایی است، بلکه حتی با تهدید و ارعاب مهرانه خواستار انجام آنست.

اصل موضوع، قطع وابستگی به امریکاست، که بگفته آقای رئیس‌جمهور،



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۰۴
دوشنبه ۱۸ فروردین ماه ۱۳۵۹ - تکران شماره ۱۵۱۵

در حل مسأله تسریع کنید!

است. بنظر ما برعکس این، باید اول آقای بنام طرح اصلاح شده و تصویب شده را اعلام کند. برای اثبات صحت نظر خود نتایج متظره و محتمل آن در طرز برخورد فوق‌الذکر را مورد بررسی قرار میدهیم:

در صورتیکه طبق نظر آقای بنام عمل شود (یعنی تا کردها سلاحها را زمین نگذارند، ایشان طرح موجود را اعلام نکنند)، جنگ برادری شدت خواهد یافت، دولت در برابر خلق قرار خواهد گرفت، نیروهای ضدانقلابی کردستان و سرزمین ایران روق خواهد یافت و در نتیجه همه آنها، مناسباتی که میان کردستان و رژیم جمهوری اسلامی بوجود آورده است، بسوخت بیشتری خواهد گریزد.

آقای بنام در بیان خود نسبت سازش جمهوری اسلامی ایران، به مسئله کردستان نیز اشاره کرد. خلاصه نظر رئیس‌جمهور این بود که:

شورای انقلاب طرح پیشنهادی کردها را با اصلاحات تصویب کرده و این طرح اصلاح شده و تصویب شده اکنون در اختیار وی موجود است و قبل از آنکه ایشان این طرح را اعلام نمایند، باید کردها سلاحهای خود را زمین بگذارند.

این طرز برخورد آقای رئیس‌جمهور بنظر ما نادرست

ولی در صورتیکه عکس آن عمل شود (یعنی ایشان قبل از اینکه کردها سلاحها را زمین نگذارند، طرح اصلاح شده و تصویب شده از جانب شورای انقلاب را اعلام کنند)، نیروهای راستین انقلابی و مینیممست کرد به طریقی مسئله خلیج فارس را خواهند پذیرفت، در راه امرای مسلح آن دولت یاری خواهند کرد. احتمال جنگ برادری ازین خواهد رفت، در جبهه علیه ضدانقلاب، خلق کرد به دولت خواهد پیوست، نهادهای ضدانقلابی کردستان تنگ خواهد شد و مناسبات میان خلق کرد و رژیم جمهوری اسلامی ایران بر پایه وحدت و همبستگی قرار خواهد گرفت.

بنظر ما طرز برخورد آقای رئیس‌جمهور، نیروهای امیل خلق کرد را که بارها اعلام کرده‌اند که آماده‌اند در پشت سر امام طه و دشمنان انقلاب قرار بگیرند، از خود خواهد راند و طرز برخوردی که ما پیشنهاد کرده‌ایم، این نیروها را با صف همه نیروهای انقلابی ایران متحد خواهد کرد.

در ۸ صفحه امروز: بمناسبت سالگرد قیام مردم آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی



خاطر شهید بزرگ، شیخ محمد خیابانی را گرامی می‌داریم!

ریشه‌های بحران در سازمان چریکهای فدائی

میزگرد تلویزیونی برای تبرئه آمریکا! قطعنامه‌های کنفرانس صلح دهلی درباره ایران و افغانستان

پرسش از مردم، رئیس‌جمهور، شورای انقلاب و دادستان کل

- آیا اظهار نظرهای زیر در شان عضو شورای انقلاب و وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران است؟
 - آیا این اظهار نظرها بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران منطبق است؟
 - و آیا این سخنان درخور اعلام جرم علیه گوینده آن نیست؟
- محکوم کردن کنفرانس اسلام‌آباد، تمهیل حزب توده است... متأسفانه همه‌تون اقتادید توی پلزی‌های حزب توده... این یک حقه‌بازی سیاسی است که توسط حزب توده به تمام ارگانها تمهیل شده است!
- (قطب‌زاده، آزادگان، ۱۳۵۸/۲۵)
- «این روزی‌نامه «مردم» هم مرتب اعلام جرم می‌کند و به وزارت خارجه فحش میده!»
- (قطب‌زاده، آزادگان، ۱۳۵۸/۲۵)
- «حزب توده و کمونیستهای امروزه و مسلمان‌نماها هم در روزی‌نامه‌هایشان مرا سازشکار للمداد می‌کنند... فکر غالب بر مفرضین و نوگرو صفتان آن است که: هرکس با ما نیست، بر ماست»
- (قطب‌زاده، آزادگان، ۱۳۵۸/۱۶)
- «به روزنامه مردم نگاه کنید، روزی نیست که علیه من مطلب نفیسه، چرا! بدلیل اینکه توده‌ای‌ها خون روسی در رگهایشان است، کلیلهای خونشان آواز روسی می‌خوانند، اگر آنها را در شان بگذاری و خردشان بکنی و بعد با آب زخم شستوشان بشوی، باز می‌بینی که روسی حرف می‌زنند. روسی فکر می‌کنند و عاشق اره‌بازند. اینها اینطور می‌اند!»
- (قطب‌زاده، آزادگان، ۱۳۵۸/۱۶)

خاطره شهید بزرگ، شیخ محمد خیابانی را گرامی میداریم

قیام مردم آذربایجان، که در تاریخ معاصر ایران بنام رهبر شهید آن شیخ محمد خیابانی (۱۲۹۷ - ۱۲۷۸) شهرت یافته، بخشی مهم (بهمراه انقلاب گیلان برهبری میرزا کوچک خان و انقلاب خراسان برهبری محمد تقیخان پیمان) از سومین اوج جنبش رهایی بخش ملی و ضدامپریالیستی مردم ایرانست (پس از «قیام تباکو» و «انقلاب مشروطیت») که بعد از نخستین جنگ جهانی و تحت تأثیر مستقیم اندیشه‌های آزادی بخش انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر سراسر شمال کشور را فراگرفت.

شیخ محمد خیابانی، که از کوشندگان انقلاب مشروطیت و نماینده مجلس دوم بود، پس از انحلال مجلس، به همراه بسیاری از فعالین نهضت مجبور به ترک وطن شد. او بروسیه مهاجرت کرد و چندی در آنجا سکونت کرد.

در آن سالها، که احزاب سوسیال دموکراسی اروپای غربی گرفتار اپورتونیسم شده و سیمای انقلابی خود را از دست داده بودند، مرکز جنبش انقلابی کارگری جهانی بروسیه منتقل شده بود. فرهنگ مترقی دمکراتی انقلابی روسیه بطور کلی، و جنبش انقلاب سوسیالیستی کارگری روسیه و فعالیت بیروان لنین (بلشویکیها) - بویژه، تأثیر مثبتی در تکامل جنبش جهانی خیابانی باقی گذاشت. در نتیجه همین تأثیر بود که خیابانی در اندیشه‌های «دمکراتیک» و خلقی خود بمرحله «رادیکالیسم» (قاطمیت) انقلابی ارتقاء یافت. کمیکه در مجلس دوم، با وجود رفعت فراوان به همکاری با دمکراتها، هنوز از انتساب رسمی به فراکسیون حزب دمکرات امتناع می‌ورزید (روزنامه «ایران نو»، ۲۶ صفر ۱۳۲۹).

پس از مراجعت به میهن و بویژه تحت تأثیر پیروزی اکثر کبیر، خود حزب دمکرات را در آذربایجان تاسیس کرد، رهبری جنبش ضدامپریالیستی خلق را بعهده گرفت، آنرا به پیروزی (گرچه موقتی) در قیام مسلح فروردین ماه ۱۲۹۹ ناقل ساخت. قیام، که در واقع ۱۶ فروردین آغاز شده بود، با انتشار بیانیه ۱۹ فروردین (بدو زبان فارسی و فرانسه در تبریز) رسماً پیروزی خود را به جهانیان اعلام کرد.

انگیزه مستقیم قیام اعتراض به قرارداد ننگین بود که چند ماه قبل (اوت ۱۹۱۹) باضامی و توفیق‌الدوله، رئیس‌الوزرای دست‌نشانده امپریالیسم انگلیس رسیده بود و باید از تصویب مجلس میگذشت. این قرارداد که میخواست ایران را رسماً (مانند عراق آنزمان) تحت قیمومیت انگلستان قرار دهد، اعتراض شدیدی توده‌ها و هیجان همگانی را در سراسر کشور برانگیخت، اما علل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اندیشه‌ای قیام عمیق‌تر و ریشه‌دارتر بود.

انقلاب مشروطیت، که در نتیجه مداخلات مستقیم روسیه تزاری و امپریالیسم انگلستان ناتمام مانده بود، نتوانست به تعویض سلطنت مطلقه قاجاریه با سلطنت مشروطه همان خاندان، دردی را برای مردم ایران دوا کند. نخستین جنگ جهانی، با وجود اعلام رسمی بیطرفی ایران، کشور را به سخته زدوخورد دولت‌های «متحده» و «متفق» بدل کرده بود. این امر باعث تشدید تضادهای اجتماعی در کشور و ملاحظاتی شدن وضع زندگی مادی و معنوی مردم شده بود. اوج سوم جنبش رهایی بخش ملی و ضدامپریالیستی - سال‌های ۱۲۹۶ - ۱۳۰۰ معلول مستقیم این وضع ناخوشایب بود.

کنفرانس ایالتی فرقه دمکرات آذربایجان، که در تاریخ اول شهریور ۱۲۹۶ (پس از انقلاب فروری و سرنگونی تزاریس روسیه) در تبریز تشکیل شده بود، در اولین قطعنامه از قطعنامه‌های ۹ گانه خود، تحت عنوان «شروطی گمنام آذربایجان» و خط حرکت فرقه نسبت به آن، این وضع را بخوبی روشن کرد. این کنفرانس به ویژه قطعنامه‌ای «در مناسبات فرقه با انقلاب روس» تصویب کرد که در آن «از ظهور انقلاب روس و نتایج آن انقلاب در ایران اظهار شادی و امیدواری مینماید» و کمینه‌ایالتی را مؤلف می‌سازد همیشه مراودات دوستانه را با «فرقه‌های آزادیخواه روسیه» ادامه دهد و از مساعادت آنها استفاده نماید» (مغلی آذری - قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز، چاپ چهارم صفحه ۱۴۹).

خیابانی خود همیشه با سببیت فراوان از لنین نام می‌برد و «مبارزه قهرمانانه» او علیه تزاریس روسیه را نمونه درخشان و سرمشق برجسته مبارزه سیاسی آشتی‌ناپذیر علیه ظلم اجتماعی و ستم ملی میدانست (رجوع کنید به نطق او در مجله «آذربایجان» آبان - آذر ۱۳۲۵، صفحه ۴۷).

مضمون سخنرانیهای آنتین شیخ محمد خیابانی در دوران پس از پیروزی انقلاب اکثر بخوبی بهره‌گیری این رجل برجسته انقلابی و اندیشمند بزرگ دمکرات را از افکار سوسیالیستی نشان میدهد. در این باره کافی است مثلاً به سخنرانیهای او تحت عنوان «رادیکالیسم و اپورتونیسم» (۲۸ فروردین ۱۲۹۹)، درباره مضمون اجتماعی و جنبه‌های تفکرات و عقاید (۲۹ فروردین)، در باره ضرورت تشکیل یک سازمان سیاسی منظم و با «دیسپلین» (۳۱ فروردین)، درباره اینکه «حیط را باید تغییر داد» و «لیبرالیسم»

مسئله گروگانها...

بقیه از صفحه ۱

نکرته‌است. و چون هیچ اقدام جدی و مؤثری برای قطع ریشه‌های وابستگی انجام نگرفته، لذا مسئله گروگانها به مسئله‌گرهی بدل شده، باین معنا که اگر آمریکا بتواند «گروگانها» را تحویل بکشد، در واقع معضل دیگری نخواهد داشت، و از سوی دیگر اگر ایران «گروگانها» را تحویل دهد، دیگر وسیله‌ای برای ایراد فشار در جهت وادار کردن آمریکا به تن در دادن به حقوق برابر با اسرائیل نخواهد داشت.

باین دلیل است که مسئله گروگانها بدل به مسئله‌گرهی شده‌است و به همین دلیل است که آمریکا برای رهایی «گروگانها» با انواع وسایل ممکن متوسل میشود بهر - تشبیه دست‌میزند، از طرح مسئله در شورای امنیت سازمان ملل متحد و در دادگاه‌های گمنام (که مؤثر واقع شد) تا طرح تحریم اقتصادی (که با توای از طرف اتحاد شوروی ممکن نگردد) و یا تهدید به تهاجم نظامی (که برای خود آمریکا بازی با آتش است).

کمیسون تحقیق، که از طرف کورت والدهایم تشکیل یافت، نیز به همین منظور بود. این کمیسون را که والدهایم «کمیسون تحقیق بین‌المللی» نامید، امریکاییها آنرا «کمیسون تحقیق برای آزادی گروگانها» نام گذاری کردند و

در حل مسأله آمیز مسئله کردستان

بقیه از صفحه ۱

با کسانی که طرح مورد بحث مربوط بزندگی آنهاست، مشورت کنید و احیاناً حک و اصلاح لازم را بکنید و اطمینان داشته باشید که با این کار به احترام، روجه و نفوذ معنوی شما و رژیم جمهوری اسلامی به مراتب افزوده خواهد شد.

رژیم مغز پهلوی، امپریالیسم خونخوار آمریکا و ایادی داخلی آن بقدر کافی برای ما مشکل به ارث گذاشته‌اند و مرتباً بر تعداد مشکلات می‌افزایند. بیایید بیدلیل مشکل تازه‌ای برای کشورمان ایجاد نکنیم.

حزب توده ایران بر این عقیده است که دولت باید حد اعلای حوصله، راه‌یابی، انعطاف و گذشت را در حل مسائل خلقی بکار برد و متقابلاً نیروهای اصیل خلق کرد باید حداعلی کوشش را برای تقاض و اتحاد و همبستگی با رژیم جمهوری اسلامی ایران بکار بندند.

امروز نیاز درجه اول کشور ما اینست که همه خلقهای ایران، همه نیروهای مترقی و میهن‌دوست کشور، همه نیروهای مسلح ایران و سپاه بیست میلیون خلق زیر رهبری امام خمینی، برای درهم شکستن توطئه‌های امپریالیسم جهانخوار آمریکا و ایادی آن با هم متحد شوند.

جنگ برادر کشی در کردستان و هر رویداد دیگری از این قبیل سزاوار جامعه انقلابی ما نیست و هم دولت و هم خلق باید برای جلوگیری از این فاجعه و یافتن راه حل انسانی و عادلانه دست بدمت هم دهند.

حزب توده ایران با تمام نیرو و امکانات خود آماده است در حل مسأله آمیز مسئله کردستان با صمیمیت و صداقت کامل به دولت جمهوری اسلامی ایران یاری کند.

حل مسأله آمیز و عادلانه مسئله کردستان، علاوه بر اینکه موجب اجرای اصول عدالت در مورد یک خلق ستمدیده خواهد شد، در این روزگار پرمخاطره، که انقلاب ایران با توطئه‌های وسیع امپریالیسم آمریکا دست به گریبانست، یکی از عمده‌ترین راه‌هایی را که برای اجرای این توطئه‌ها موجود است، خواهد بست.

حل مسئله کردستان از طریق نظامی محال است و طرفه و تملل در حل مسئله از طریق مسأله آمیز خطرناک. در حل مسأله آمیز مسئله کردستان تسریع کنید!

یکشنبه‌ها: «نامه مردم» بزبان کردی

«مؤلفان کرد مقیم تهران منتشر میشود، از کپسکهای سانس می‌توانند روزنامه «نامه مردم» بزبان تهران دریافت دارند. کردی را، که روزهای یکشنبه

در اعلامیه اخیر کمیته مرکزی حزب توده ایران، یکی از اجزاء نقشه «جهان‌بانه» امپریالیسم، جنبش آزادیابی شده است.

«تخریب و فلیج کردن همه کارها و بویژه اقتصاد ملی برای تشدید ناراضی مردم در همه زمینه‌ها»

آری، ایجاد ناراضی و سست کردن پایه‌های پاروایمان مردم به انقلاب، جزئی از نقشه‌های امپریالیسم علیه انقلاب ماست. هشداریست که جدی گرفته شود.

این ناراضی نه تنها دارای ریشه‌های اقتصادی است، بلکه میتواند ناشی از جوسوسیالیسم و نمره تدابیر ورزیهایی باشد که در این زمینه بکار برده میشود. میلیون‌ها مردمی که صاحب عقاید و مسلک‌های مختلف بودند و یکدل و یک‌جان در انقلاب شرکت جستند، از اینکه کوششهای جدی میشود تا انحصارطلبی یک‌سویه‌ای بر جوس سیاسی کشور حاکم شود، ناراضی میشوند.

میلیونها مردمی که با آتیه شوروا خود گشتگی در اعصاب و راه‌پیمایی‌ها و تظاهرات شرکت داشتند، از اینکه در نخستین انتخابات مجلس شورای ملی شاهد تقلبات و تقلبات هستند، ناراضی میشوند. آنها انتظار ادامه وحدت همه گروهها، مسلکها، اتحاد همه نیروهای متنوع در راه ایرانی مستقل و آزاد آباد علیه امپریالیسم، بر سر کردگی امپریالیسم آمریکا و عمال آن را داشتند، ولی وقتی جوحاکم بر محیط سیاسی کشور را چنین نمی‌یابند، عده رای‌دهندگان از فاصله فروردین تا اسفند سال گذشته، به کمتر از نصف تقلیل مییابد و اگر به جمهوری اسلامی ایران پیش از ۲۰ میلیون نفر رای دادند، نمایندگان مجلس شورای ملی، به اندزایی آقای رئیس‌جمهور، معرف رای حدود ۵ میلیون نفر خواهند بود.

این پدیده‌های ناراضی سیاسی، همراه با سرخوردگی‌هایی که ناشی از چگونگی امور تبلیغاتی و هنری و نحوه کار رادیو تلویزیون و شبکه تازی و انحصارطلبی و تحریف و کسوکوگایی حاکم بر آن میشود، بر آنچه که اساسی و عمده است، یعنی ناراضی‌هایی که ناشی از وضع اقتصادی بود درجه اول بیکاری و گران‌بودن بخران مسکن است، اضافه میشود.

ناراضی و عواقب وخیم آن جزئی است از آن ابرهای تیره و تار، که لحظه کنونی تکامل انقلاب را خطرناک میسازد و زمینه فساد را برای ضدانقلاب فراهم میکند.

به این پدیده‌ها نمیتوان بی‌اعتنا بود. با این پدیده‌ها باید بطور جدی، با برنامه دقیق و مشخص و تدابیر مؤثر عملی مقابله کرد.

نامه سرگشاده سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات تاسیسات ری به شورای انقلاب:

روز جهانی کارگروا گرامی بداریم

هیئت مدیره سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات تاسیسات ری، طی نامه سرگشاده‌ای به شورای انقلاب اسلامی ایران، خواستار برگزاری روز جهانی کارگروا در روز جهانی کارگر شد. متن نامه چنین است:

«تاکنون که انقلاب خلق قهرمان ایران به رهبری امام‌امت، خمینی بزرگ می‌رود جای حقیقی خود را به‌آزکند و امتی محکم برده‌ان جهانخواران امپریالیسم کوبیده و میکوبند از این نظر است که خود نکته امید برای تمام مستضعفان جهان شده.

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات صنایع نفت-تاسیسات ری، از شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران مصرحواستاراست که روز یازدهم اردیبهشت (اول ماهه) که یادآور خون‌های ریخته شده است‌های سرشار از زندگی تحت ستم است و مورد احترام تمام مستضعفان جهان است روز فوق میباشد خواستار است که روز فوق هر چه باشکوه‌تر گرامی داشته و ارج نهاده شود تا کارگران ایران بتوانند این عید جهانی کارگری را گرامی بدارند و این روز جزه تعطیلات رسمی ما کارگران محسوب گردد.

با تقدیم احترام، هیئت مدیره سندیکای کارگران خطوط لوله و مخابرات:

تشدید ناراضی‌ها... بقیه از صفحه ۱

«کسب آزادی» بر آمده‌اند، که «کاردا» ندارند. دهها هزار کیلومتر جاده خاکی و خراب منظر با زوری کارند. چند میلیون شکم گرسنه و دهان باز منتظر آنست که نان آور خانوادگی کار می‌بست آورد. رقم درست بیکاری را کسی نمیداند، ولی افزایش سریع این رقم، خطری جدی در جهت ناراضی کردن مردم است.

گرانی بله بزرگ دیگری است. از موهو سزی خوردن گرگ تیا کشش و لباس، بقول معروف، جلوی هیچ‌چیز نمیتوان رفت. البته نه همه‌کس، بازم به خصوص همان میلیون‌ها نفر، که امید انقلابند و امید آنها هم به انقلاب است طعمه دیوگرانی میشوند. بازرگانان عسده دلان بزرگ، سرمایه‌داران وابسته و واسطه‌های قدرتمند تا هستند و فعالیت میکنند، گرانین غول شگسته نخواهند شد. آنها هستند و سخت فعالیت میکنند. و در کنار عمل عمیق اقتصادی گران، آنها هم «حاکم میکنند»، هم خرابکاری و گرانفروشی میکنند. و دود کور کنند و پنجم آورنده گران متوجه ثروت‌مندان نشود. آنها کشتان هم نمی‌گذرد باز ارتش انقلاب است که زخم میبندد و از رفتن کاسته میشود.

هسکن درد بزرگ دیگر و ادامه بخران آن، سرچشمه دیگر ناراضی توده مردم است. حرف زیاد زده شده، وعده‌های متناقض هم داده شده، سازمانهای مختلف مشغول هم‌باید یکدیگر بر قایت برخاسته‌اند، ولی در این میان دردی از مردم درمان نشده‌است. نه فقط در یکسال، آنچه که میتوان کرد، انجام نند، بلکه طرح دقیق و برنامه مشخصی که به مردم افق روشن حل مسئله را بدهد و مطابق با امکانات نشان دهد، نیز ارائه نگردد. این مسئله نیز برای هیچ‌کس و نمتند و منتقد و مستکبری مسئله نیست. آنها هر کدام چندین خانه ندارند. برای میلیون‌ها نفر از طبقات زحمتکش و متوسط است که بی‌مسکن از بلایای بزرگ و گران خانه کم‌شکن است. این میلیون‌ها نفر ندکه از زاد شدن بخران مسکن رنج میبرند و از اینکه قدیمی جدی و مسوئی برای رفیع آن برداشته نشود، ناراضی میشوند.

چه کسی می‌تواند متکر شود که ادامه تشدید بیکاری و گران و بخران مسکن موجب ناراضی هم‌هر چه بیشتری از مردم زحمتکش میشود و از توان انقلاب ما و قدرت مقابله آن با توطئه‌های ضدانقلاب می‌کاهد؟

چه کسی میتواند نادیده بگیرد که امپریالیسم در هر جا علیه نیروهای مترقی و با انقلابی توطئه‌های را تدارک میدیدند، نسبت به ناراضی کردن مردم و ستایش کردن پایگاه مردمی آن مبادرت می‌ورزیدند است؟

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

قطعنامه درباره ایران

کنفرانس به انقلاب ملی و ضدامپریالیستی ایران درود می‌فرستد و آن‌را پیروزی بزرگ مردم ایران، که اینک صاحب اختیار سر نوشت خود شده‌اند، می‌شمارد.

کنفرانس از مردم ایران در مخالفت استوارشان با هر گونه دخالت بیگانه در امور داخلی ایران و در رویارویی‌شان با هر گونه تهدید خارجی بر ضد انقلاب ایران - به‌ر شکل که این تهدیدتظاهر کند - پشتیبانی می‌کند.

کنفرانس اعتقاد راسخ دارد که مسائل مورد اختلاف میان ملت‌ها می‌تواند از راه مذاکرات مبتنی بر برابری طرفین اختلاف و احترام به حاکمیت ملی و منافع مشروعشان حل شود.

از این دو کنفرانس مخالفت خود را با سیاست ابراهامساز و توسل به محاصره اقتصادی و بازرگانی ایران از سوی آمریکا اعلام می‌دارد. چنین سیاستی باید بی‌درنگ قطع شود.

کنفرانس از خواست‌هایی که مردم ایران به‌صراحت و قوت بیان داشته‌اند، یعنی بررسی عمیق کلیه جنایاتی که رژیم شاه بر ضد مردم مرتکب شده است و افشای دخالت‌ها و اقدامات امپریالیسم آمریکا، پشتیبانی می‌کند. کنفرانس همچنین پشتیبانی خود را از مبارز مردم ایران برای استرداد نروتهای ملی و زدودن شاه از جانب‌شاد اعلام می‌کند.

کنفرانس تمرکز واحدهای ناوگان جنگی آمریکا در آبهای نزدیک ایران و سواحل عربی دریای عمان و خلیج فارس و همچنین در پایگاه‌های دریایی آمریکا در اقیانوس هند را خطر بزرگی برای صلح در منطقه و در سراسر جهان تلقی می‌کند.

کنفرانس طلب می‌کند که تفنگداران دریایی آمریکا، که تاکنون در منطقه پیداشده‌اند، به کشور خود بازگردانده شوند و نیروهای دریایی آمریکا و دیگر کشورهای بی‌درنگ آب‌های نزدیک ایران و شبه‌جزیره عربستان را ترک کنند.

کنفرانس بین‌المللی برای صلح و امنیت در آسیا
دهلی نو سوم تا پنجم فروردین ۱۳۵۹

قطعنامه درباره افغانستان

جنگ تبلیغاتی دیوانه‌وار و سرایا عیجوسی و تحریف واقعات، که امپریالیسم و رسانه‌های گروهی‌اش بر ضد افغانستان برآه انداخته‌اند، جز توجیه انباشت فوق‌العاده سلاح‌ها در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و تهدید استقلال و پیشرفت کشورهای منطقه هدفی را دنبال نمی‌کند.

درواقع سیاست تشدید تشنج و مهابه تسلیم‌جاتی چندین سال پیش از وقایع افغانستان از سوی میلیتاریست‌های آمریکا و ناتو آغاز شده بود و در آستانه دسامبر ۱۹۷۹ اهمیت خطیری یافته بود.

امپریالیسم، به دنبال شکست ننگینی که بر اثر نیروی بزرگ مردم ایران بر او وارد شده، کوشیده است تا از راه منحرف برین و حتی به عقب برگرداندن انقلاب افغانستان، بخشی از مواضع خود را بازبینی کند. دست آورد، امپریالیسم نه تنها وسیله عمل خود به یک فعالیت سیاسی بدفرجام در داخل افغانستان دست زده، بلکه در همان حال با پول و اسلحه به تشکیل دسته‌های ضد انقلابی در خاک پاکستان و تعلیم آنها در اردوگاه‌های نظامی اقدام کرده است.

امپریالیسم در پی بهانه بسود، از این رو ابتدا روی ایران و سپس روی افغانستان انگشت نهاد تا افزایش حضور نظامی خود را در منطقه توجیه کند.

با توجه به وخامت اوضاع در منطقه و با توجه به روند دمومو کراتیک دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی در جمهوری دموکراتیک افغانستان، بویژه پس از ورود ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹، کنفرانس بین‌المللی صلح و امنیت در آسیا، که در روزهای ۲۳ تا ۲۵ مارس ۱۹۸۰ در دهلی نو برگزار شد، طلب می‌کند که:

اشکال مختلف دخالت امپریالیستی، بخصوص دخالت نظامی از خاک پاکستان، که به تصمیم امپریالیسم آمریکا با همکاری حکومت چین و ارتجاع کشورهای عربی بر ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت می‌گیرد، متوقف شود و اردوگاه‌های تعلیم نظامی در پاکستان بی‌درنگ و به‌طور قطعی تعطیل شود.

کنفرانس با خرسندی خاطر نشان می‌کند که نه اتحاد شوروی و نه دولت افغانستان حل و فصل سیاسی مسائل مربوط به افغانستان را در اصل رد نکرده‌اند. با این همه، شرط قبلی چنین حل و فصلی آن است که آمریکا و متحدانش به هیچ عنوان نباید از خارج در امور داخلی افغانستان دخالت کنند، و این ضمانتی است برای امنیت و حاکمیت افغانستان.

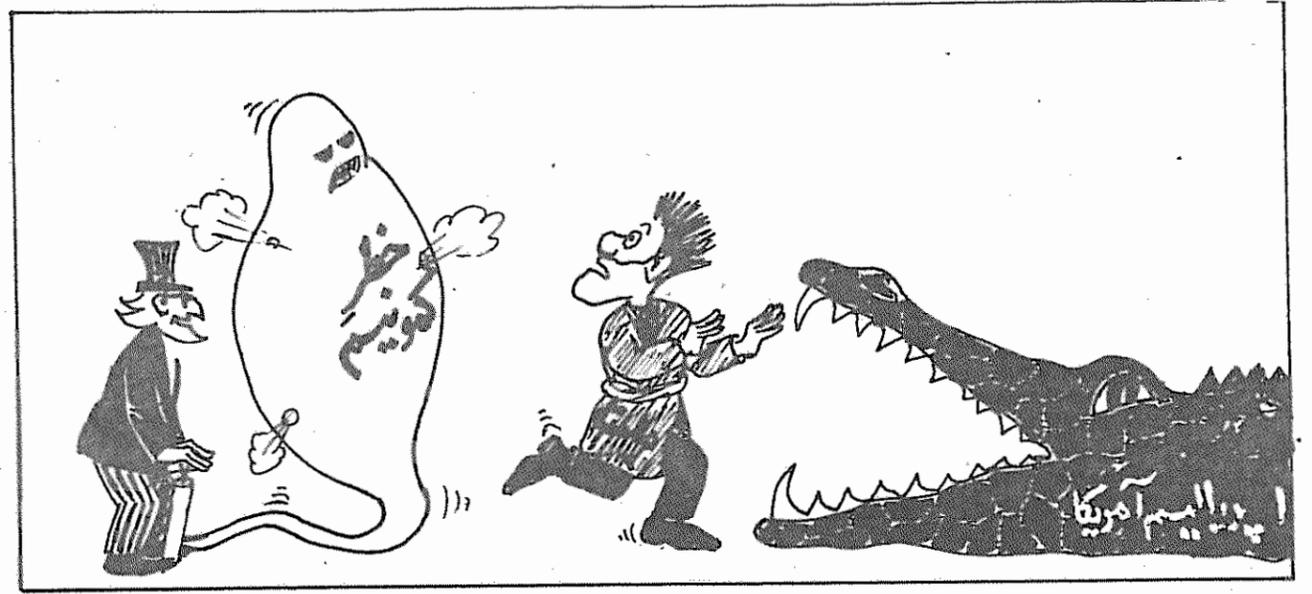
با در نظر گرفتن این واقعیت که سیاست میلیتاریستی دولت پاکستان نه تنها بر ضد صلح و امنیت کشورهای همسایه و دیگر کشورهای منطقه است، بلکه برای استقلال و امنیت خود پاکستان نیز خطر مهمی در بر دارد، کنفرانس با درود به نیروهای دموکراتیک پاکستان در مبارزیشان، به صدای رسا از خلق پاکستان دعوت می‌کند تا با عزم راسخ در برابر کلیه تشیبات امپریالیستی به منظور تبدیل پاکستان به یک سرانجام، که با سراسر منطقه در حال دشمنی بسربرد، مخالفت کنند.

نقشه‌ها و تصمیماتی که در غیاب خلق و دولت افغانستان، و کوبا به منظور صلح و ثبات در منطقه، از سوی محافل امپریالیستی سرزمین‌های می‌شود، از آن جمله تصمیم مربوط به بی‌طرف ساختن افغانستان، از یک سو به منظور سرپوش گذاشتن بر علت واقعی مشکلات منطقه است که از دخالت‌های نظامی و غیر نظامی امپریالیسم بر ضد افغانستان سرچشمه می‌گیرد و از سوی دیگر برای آن است که راه را در برحل واقعی و قطعی مشکلات ببندد و این منطقه را به صورت کانون دائمی تشنج و جنگ نگه دارد.

قطع دخالت امپریالیستی در افغانستان یک قدم ضروری برای صلح و ادوام است.

باید گذاشت که خلق افغانستان در راه پیشرفت و دمکراسی پیش برود.

امپریالیسم باید از بهر گویی از اعتقادات مذهبی مردم افغانستان بر ضد منافع خود آنان دست بردارد.



۲ کنفرانس بین‌المللی صلح در دهلی نو

دربایان، مطمئناً هی دهنکانه کنفرانس، که در کمیون‌های مختلف پس از بحث و تبادل نظر کاتی تدوین شده بود، به رای گذاشته و به اتفاق آرا بتصویب رسید. این قطعنامه‌ها پرتیب در سارده ۱ - لبنان ۲ - ایران ۳ - صلح و امنیت در آسیا ۴ - منطقه خلیج فارس ۵ - ویتنام و کمپوچیا و لاوس ۶ - مبارزه خلق فلسطین ۷ - آفریقای جنوبی ۸ - کره ۹ - افغانستان ۱۰ - دفاع و تحکیم روح المیهک بوده است.

در حاشیه کنفرانس ملاقات‌های سودمندی میان نمایندگان کشورهای مختلف به منظور آشنایی و ایجاد تفاهم و تدارک زمینه‌های همکاری صورت گرفت. همچنین دعوت‌هایی از سوی وزیر خارجه و وزیر اطلاعات و رادابو تلویزیون و روانه انجمنی را گاندهی نخست‌وزیر هند از نمایندگان کنفرانس به عمل آمد.

سورتی هرچه قاطع‌تر از سوی نمایندگان محکوم شد. در این کنفرانس، هیئت‌های نمایندگی کشورهای مختلف و همچنین نمایندگان شش حزب سیاسی عمده هند سخنرانی‌های مشروح و مستدل ایراد کردند و از سوی هیئت نمایندگی جمعیت ایرانی سواداران صلح نیز گزارشی درباره انقلاب ایران و خطری که از جانب امپریالیسم آمریکا متوجه آن است، خوانده شد که توجه و تأکید بزرگ حاضران را برانگیخت.

ریاست کنفرانس را آقای رومش چاندرا، دبیر کل شورای جهانی صلح بر عهده داشته که خود نیز سخنرانی‌های بسیار پرشوری در باره اوضاع کلی جهان و سیاست‌های جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا و متحدانش در ناتو ایراد کرد.

اقوام و ملت‌ها و لزوم مبارزه با تسلط فرهنگی امپریالیسم، که از راه‌های مختلف بر مردم جهان سوم تحمیل می‌شود و زمینه روحی برای دوام تسلط اقتصادی سیاسی و نظامی امپریالیسم فراهم می‌آورد، سخن راندند و در پایان کنفرانس قطعنامه‌ای در این باره صادر کردند.

موضوع کنفرانس دوم، که در روزهای ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ مارس برگزار شد، جلب توجه همگانی به خطر جدی انباشت سلاح‌ها، ایجاد و توسعه بساطت پایگاه‌های نظامی امپریالیستی در اقیانوس هند و منطقه خلیج فارس و تهدید به مداخله نظامی از سوی آمریکا متحدانش در مناطق مختلف آسیا، از ویتنام و کمپوچیا گرفته تا ایران و افغانستان و یمن دمکراتیک و حبشه و فلسطین، و تأکید بر لزوم بسیج هر چه وسیع‌تر نیروهای صلح دوست برای مبارزه با این خطر که می‌تواند جهان را به فاجعه جنگ بکشاند، بوده است.

در این کنفرانس، سیاست امپریالیستی تحریک و توطئه و اخلاص، که با همکاری محافل اجتماعی چین و پاکستان انقلاب‌های ایران و افغانستان و جنبش‌های رها تپخت عرب و فلسطین را تهدید می‌کند، به

مقارن آغاز بهار، در روزهای بیستم تا بیست و پنجم مارس ۱۹۸۰ (از سی ام اسفند تا پنجم فروردین ۱۳۵۹)، در دهلی نو پایتخت هند، محل ملاقات و بحث و تبادل نظر نمایندگان جمعیت‌های سوادار صلح از شصت و پنج کشور جهان بود، که در دو کنفرانس بین‌المللی، یکی به منظور دفاع از فرهنگ‌های ملی و تربیت در راه صلح و صلح‌ساز و دیگری برای صلح و امنیت در آسیا، گرد آمده بودند.

انگیزه تشکیل کنفرانس نخستین - از ۲۲ تا ۲۵ مارس - برگزاری سمنین سال تولد نویسنده مردمی و آزادیخواه و مبارز هند پرمچند بود که سراسر فعالیت ادبی‌اش مبروف دفاع از زحمتکشان و معرومان کشور خود، بویژه روستاییان بوده است. به همین مناسبت سخنرانی‌های کشورهای مختلف، بویژه نمایندگان محافل اجتماعی و فرهنگی هند، درباره مفهوم و راستای خلقی هنر و فرهنگ ملی و اهمیت قاطع آن در حفظ و اعتلای هویت

اقتصادی کراتی پیش می‌کنند که در سال جاری اقتصاد آمریکا وارد یک دوران دیگر کساد می‌شود. به عقیده این کارشناسان برای این کساد، بیکاری در آمریکا که در حال حاضر ۶ درصد نیروی کار است، تا پایان سال جاری به ۷/۲ و تا اواسط سال آینده به حدود ۷/۷ درصد خواهد رسید.

از سوی دیگر دولت کراتی اعلام کرده که برای ایجاد تعادل در بودجه سال جاری و آینده آمریکا بیش از ۱۷ میلیارد دلار از مخازن دولتی را کاهش میدهد. دولت کراتی که با تورم فزاینده روبرو است، این تصمیم را ظاهراً برای مبارزه با تورم اتخاذ کرده است. با وجود این اقدام مخارج نظامی در بودجه سال جاری رسماً ۱۰ درصد افزایش یافته، بلکه در باره‌های انمواد در مقام مقایسه با رقم‌های پیش‌بینی شده قبلی افزایش یافته است. کاهش ارقام بودجه مربوط به امور رفاهی مانند حقوق بازنشستگان و غیره است. بدین ترتیب در حالیکه کساد و تورم زحمتکشان آمریکایی را زجر فشار قرار داده است، کج عقید و کنگره تلاش می‌کند جیب اربابان، مجتمع‌های سمنی - نظامی را هر چه بیشتر پر کنند.

از انتشارات
حزب توده ایران
منتشر شد

مسائل معاصر
آسیا و آفریقا
تألیف دانشمند بزرگ
ر. اولیانفسکی

هنوز، هشی چریکی
جدا از توده
حیدر مهرگان

پیکه نینی گدا
(خنه گدا - به زبان کردی)
حسن قزلبچی

تصحیح
در خیر «کردستان را دریا بدید...»
معدج دوشماره ۲۰۱ تا ۲۰۴
در ستون اول، پاراگراف دوم، برخی کلمات اشتباه درج شده است. صحیح آن به شکل زیر است:

انورسادات اعتراف کرد ژاندارم
امپریالیسم آمریکا در منطقه است

انورسادات، سردسته جاسوسان آمریکا در جهان عرب، در مصاحبه با روزنامه اسرائیلی یه‌توت آهارانوت به تشخاخانه مسر در مورد پهمده گرفتن نقش ژاندارم امپریالیسم آمریکا اعتراف کرده است.

سادات به‌خبرنگار اسرائیلی گفته است،
دلمی‌دانم چرا اسرائیل نگران تعویب
سلاح از سوی آمریکا به مصر است. شما نباید
نگران باشید. از این سلاح‌ها به‌چوجه علیه
اسرائیل استفاده نخواهد شد. سادات در
قسمت دیگری از گفتگوی خود با خبرنگار
اسرائیلی، حرف‌های ارباب را در مورد
کشورهای خلیج فارس و ایران موبمو تکرار
کرد و دن کثورت‌واد به خلق‌های منطقه
اطحار کرد و تهدید مسخره «اتحاد شوروی» را
پیش کشید و گفت: «مصر تنها کشوری است که
می‌تواند ایران و کشورهای خلیج فارس را
از خطر نجات دهد»

قاعدتاً برخی محافل در ایران باید از همفکری
و هم‌بانی خود با انورسادات دچار حیرت و تأسف
شوند.

رویدادهای
جهان

رژیم بعثی عراق مبارزه علیه نیروهای
مترقی را در جهان عرب و خلیج فارس
آغاز کرده است

رژیم بعثی عراق در ادامه سیاست پلید خود
مبنی بر مبارزه با رژیم‌ها و نیروهای مترقی در
منطقه، دفتر جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین
در بغداد را تعطیل کرد و اعضای دفتر را از بغداد
اخراج کرد.

دولت عراق یک دانشجوی فلسطینی وابسته
به این جبهه را به زندان انداخته است.
یک سخنگوی جبهه دمکراتیک برای آزادی
فلسطین گفت که بعثی‌های بغداد مبارزه با همه
نیروهای مترقی را در جهان عرب و خلیج فارس
آغاز کرده‌اند.

لازم به توضیح است که هفته گذشته رژیم بغداد
برای مبارزه با یمن دمکراتیک به اصطلاح
جبهه‌ای علیه این کشور در بغداد تشکیل داد.
از سوی دیگر جاسوسان عراقی در جمهوری
دمکراتیک خلق یمن به خرابکاری مشغولند.
چند روز پیش ۱۸ تن از این جاسوسان باز -
داشت شدند.

در سال جاری اقتصاد آمریکا وارد
یک دوران دیگر کساد می‌شود

کارشناسان اقتصادی آمریکایی و مشاوران
اقتصادی کراتی پیش می‌کنند که در سال جاری
اقتصاد آمریکا وارد یک دوران دیگر کساد
می‌شود. به عقیده این کارشناسان برای این کساد،
بیکاری در آمریکا که در حال حاضر ۶ درصد
نیروی کار است، تا پایان سال جاری به ۷/۲ و
تا اواسط سال آینده به حدود ۷/۷ درصد خواهد
رسید.

از سوی دیگر دولت کراتی اعلام کرده که برای
ایجاد تعادل در بودجه سال جاری و آینده آمریکا
بیش از ۱۷ میلیارد دلار از مخازن دولتی را
کاهش میدهد. دولت کراتی که با تورم فزاینده
روبرو است، این تصمیم را ظاهراً برای مبارزه
با تورم اتخاذ کرده است. با وجود این اقدام مخارج
نظامی در بودجه سال جاری رسماً ۱۰ درصد افزایش
یافته، بلکه در باره‌های انمواد در مقام مقایسه
با رقم‌های پیش‌بینی شده قبلی افزایش یافته است.
کاهش ارقام بودجه مربوط به امور رفاهی مانند
حقوق بازنشستگان و غیره است. بدین ترتیب
در حالیکه کساد و تورم زحمتکشان آمریکایی
را زجر فشار قرار داده است، کج عقید و کنگره
تلاش می‌کند جیب اربابان، مجتمع‌های سمنی -
نظامی را هر چه بیشتر پر کنند.

کنفرانس بین‌المللی تنویر یک در کوبا

یک کنفرانس بین‌المللی تنویر یک درباره
برونلاریای آمریکایی لاتین و متحدان طبقاتی
وی در مبارزه ضد امپریالیستی در هاوانا
بر گزار شد.
این کنفرانس به دعوت حزب کمونیست کوبا و
تشریه «دولت سارکسیست دیوبوو» تشکیل شد و
در آن نمایندگان حدود سی حزب کمونیست و
کارگری و همچنین سازمان‌های انقلابی آمریکایی
لاتین و کشورهای حوزه دریای کارائیب شرکت
داشتند.

نمایندگان چشماندازهای گسترش روندهای
انقلابی در کشورهای آمریکایی لاتین را مورد -
بررسی قرار دادند و لزوم تحکیم اتحاد طبقه کارگر
با دهقانان و به نیروهای مترقیخواه را در مبارزه
ضد امپریالیسم و ارتجاع مورد تأکید قرار دادند.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارتگر امپریالیستی باید لغو شود

ریشه‌های بحران در سازمار

چریکهای فدائی، بر خلاف دعوی خود، با حزب توده مبارزه نمی‌کنند. آنها با ایجاد بحران تصنعی تاریدریغ تهمت و دشنام به حزب توده ایران مبارزه با آن طفره می‌روند.

جهانی‌گویی و کارگری و در کلی‌ترین مرزبندیها، یا سازمان یکنار اختلاف اصولی داریم، بهمان اندازه هم فکر میکنیم رداین تر سوسیال امپریالیسم بودن شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، با توجه به سیاست و خط مشی فعلی یکنار، این جریان را با خصمان سازمان ما نزدیک می‌سازد، بگونه‌ای که اگر تر ارتجاعی سوسیال امپریالیسم مانع نبود، ما را می‌دانند که این سازمان و حمایت از آن و همکاری نزدیکتر با آنرا مشخصا به سودچینش کمونیستی می‌شود.

به این میگویند نمونه درخشان یک تحلیل مکتبکی، یعنی تحلیلی که با اسلوب دیالکتیک مارکسیستی از ریشه بیگانه است و بهین دلیل غیر علمی و جرمی است.

چریکهای فدائی بر این عقیده‌اند که درسیاست داخلی به سازمان یکنار بسیار نزدیک‌اند، اما افسوس که یکنارها اشتباه را یا تصادفا بیرو تر سوسیال امپریالیسم‌اند و آنطور که «دکتر» می‌نویسد: «وجودیت اردوگاه سوسیالیستی و اثرات بسیار پرولتاریائی را نمی‌بینند اگر این تصادف یا اشتباه مانع نبوده، چریکها از این انقلابیون کمونیست هم حمایت میکردند و هم با آنها همکاری نزدیکتری برقرار می‌ساختند، و پرواضح است که به‌زعم چریکها، این حمایت و همکاری نزدیک مشخصا به سودچینش کمونیستی تمام میشد.

چریکهای فدائی با همین نگرش و اسلوب دزدانه مناسبات خود و گروه هرا کارگر، نیز داری میکنند: «ما هر چند از مسائل شخصی بسوی مسائل کلی، از مسائل مجرد و عام بسوی مسائل ایدئولوژیک سیر میکنیم، با راه کارگر» نزدیکتر می‌شویم. در مقالات عام مارکسیستی و ویژه در نگرش نسبت به جنبش جهانی کارگری و کمونیستی دیدگاههای ما نزدیک است، اما وقتی همان دیدگاهها در ارتباط همین و مشخصا با مسائل مشخص جنبش کمونیستی کارگری ایران مطرح میشود، ما و خط ۴ (راه کارگر) موضعگیری متضاد خواهیم داشت. (ما در انتخابات...)

چریکهای فدائی اعلام میدارند که در موضعگیری جهانی با راه کارگر دور می‌شود و سیاست داخلی با یکنار نزدیک‌اند، آنقدر نزدیک که میتوانند آغوش‌پری آنها بکشند و حمایت خود را از آنها، با همکاری هرچند نزدیک، بسوی پیوند برانند. اما چریکها نمیدانند تا وقتی دیدگاه‌های طبقه‌ای کنونی‌شان را در دسترس چینی‌اند، نمیتوانند بدانند که روش و سیاست داخلی و خارجی یک سازمان سیاسی دو موضوع جدا از

درحالیکه خود تاکید میکنند که «اپورتونیسیم راست دوش‌پوش اپورتونیسیم چه در مرکزیت سازمان آنها حضور مادی دارد» (بحران... ص ۳۴) چگونه میشود ازیکسو «تپا نیروی واقعی چه بود» (کار شماره ۵۰) و ازسوی دیگر در برابر عمل قدرتمند اپورتونیسیم چه که در چارچوب سازمان فدائیان وجه عمده را تشکیل میدهد، سکوت را به علامت رضا اختیار کرد و به آن آویخت؟ فقط آنهایی که اپورتونیسیم تا رگ و ریشه هستی‌شان رسوخ کرده است، قادرند چنین گستاخانه به مارکسیسم دهن کچی کنند.

چریکهای فدائی حتی در اقرار به اپورتونیسیم بودن خود، از موضع اپورتونیسیم حرکت میکنند. آنها در جلسات درسته پلنوم یاد به افتخار از خود می‌دازند که «ما مارکسیسم را درک نکردیم، تحریف کردیم، اما این واقعیت را از توده‌های سازمانی و هواداران خود مخفی نگه‌داشته‌اند، تا بر دامن انقلابی‌گری‌شان گردی نشینند. رهبران فدائی زیر گوش هم زخمی می‌کنند: «اساسا درک ما از این مارکسیستی نبود، ما یک جریان خرده بورژوازی بودیم که از قالب پرولتری استفاده می‌کردیم» و هنوز که هنوز است، «اپورتونیسیم قدرتمند در سازمان ما عمل میکنند، اما این حقایق را پنهان میکنند تا بیاد به گوش هواداران‌شان برسد. آنها در برابر اعضاء و هواداران، برعکس حرف‌های بکلی متفاوت می‌زنند:

«چنین نوین کمونیستی ایران با نام سازمان چریکهای فدائی خلق آغاز میشود... ماتپاریوزی اسمیل چه ایران هستیم...»

چونکه ممکنست یک سازمان سیاسی درحالیکه که بقول خود «تحریف‌کننده مارکسیسم» و «تفوه‌ور در گمراهی‌ها» خرده بورژوازی است، تنها نیروی سیاسی پرولتری و آغازگر و تپا ادامه دهنده «جنبش نوین کمونیستی» باشد؛ این جنبش نوین کمونیستی، شجاعانه سیف‌های است که میتواند توسط روشنفکران خرده بورژوازی پدیدآید و حراست شود؛ سازمانی که به نص سریع خوددن «اپورتونیسیم مانع از تطبیق حرکت آن با خط پرولتری شده و این اپورتونیسیم پرخاشگر چه، هنوز در آن وجه عمده را تشکیل میدهد، میتواند تنها نیروی اصیل چه ایران باشد؛ آیا نیارهای چنین سازمانی، که حتی به اعضاء و هواداران خود حقیقت را نمی‌گوید و بدتر از آن - حقیقت را به آنان و از گزونه نمی‌داند، تاچه اندازه اسمیل انقلابی است؟

چریکهای فدائی، موضعشان در برابر حقیقت خودشان چگونه است؟ پاسخ به این خواننده و مخاطب نصف و کچکجا، سئله‌ای است بین شما و هزاران پرسنده حقیقت‌جوی احتمالی دیگر، که به شما می‌نگرند. ما در جوار این سئله‌ای که با هزاران دهان از شما می‌رسد، در رابطه با خودمان پرسشهای دیگری داریم. شما گفته‌اید:

چه اپورتونیسیمی دردناک‌تر از اینکه با اپورتونیسیم وصلت کنی و همخانه شوی و در عین آگاهی به این مسئله، دم زنی؟

چریکهای فدائی که اپورتونیسیم را با سخاوتی بی‌نظیر، مثل نقل و نبات بر سر دروژی حزب توده ایران میریزند، خود در قمر چنین اپورتونیسیمی دست‌و‌پایمان‌نند. این یک دعوی خشک و خالی نیست. اعتراف صریح خود چریکهای فدائی است. ملاحظه بفرمائید:

ریشه بحران درون سازمان چریکهای فدائی خلق، مخدوش بودن خط ایدئولوژیک سازمان و تصاد میان جریانات ایدئولوژی غیر پرولتری در برابر جریان پرولتری در سازمان به دو شکل اپورتونیسیم چه و اپورتونیسیم راست عمل میکنند. اپورتونیسیم چه، که از آغاز سازمان حاکم بود، اکنون تاحدی از حاکمیت افتاده، لیکن وجود آن هنوز بطور قدرتمند در سازمان عمل میکنند. این اپورتونیسیم، که بطور اساسی متکی برینش گذشته حاکم بر سازمان است، در درون حرکت سازمان و تطبیق آن با خط پرولتری مانع شده و در چارچوب سازمان فدائی وجه عمده را تشکیل میدهد...

این اعترافات، سطوری از اسناد نخستین پلنوم سازمان چریکهای فدائی خلق است که اخیرا، علیرغم تمایل سازمان، از طرف گروهی از هواداران آنها منتشر شده است. کفایت‌سوری این سطور کمی‌بکث‌کرد، تا به عقب ترازدی چریکهای فدائی خلق و مبارز کمونیستی آنها بی‌برد.

مفهوم سان و پوست کنده اقرار چریکها بی‌توان چنین جمع‌بندی کرد: ۱- حرکت سازمان چریکهای فدائی خلق، از آغاز زیر سلطه بی‌چون و چرای اپورتونیسیم چه، بوده است. ۲- اقتدار اپورتونیسیم چه، در سازمان نفوذ فقط تاحدی است، یعنی اقتدار ناچیز است که تصریح اسناد پلنوم، اپورتونیسیم چه، هنوز بطور قدرتمند در سازمان عمل میکنند. اسناد پلنوم در دریای اپورتونیسیم چه، بر سازمان چریکهای فدائی، اشاره‌های رک و گویائی دارد:

«... اساسا درک ما از بن مارکسیستی نبود، ما یک جریان خرده بورژوازی بودیم که از قلب پرولتری استفاده میکردیم» (مضمیر تبیین کننده در چارچوب تشکیلات (چریکهای فدائی) روشنفکران انقلابی بودند. نیروی پشت‌پس سازمان پلنوم روشنفکران انقلابی بودند. بطور عمده ما خواستیم حرکت را با حرکت پرولتاریا تنظیم کنیم و توانستیم و به گرایش خرده بورژوازی در غلطیدیم... ما در لیت سعی کردیم بسوی پرولتاریا برویم، ولی نتوانستیم. ما مارکسیسم را درک نکردیم، تحریف کردیم...» (بحران درون سازمان چریکهای فدائی خلق و وضعی آنها، اسناد پلنوم... ص ۲۱)

خرده بورژوازی صیان زدای که بقول خودشان «مارکسیسم و انقلاب کرده بودند» و «از قالب پرولتری استفاده میکردند» و بهین جهت کارشان به «تحریف مارکسیسم» کشید، هنوز دعوی اسمیل‌ترین نیروی چه ایران را دارند،

میزگرد تلویزیونی برای تبرئه آمریکا

سئوال: در برابر خطر عظیم نظامی آمریکا در منطقه چه کنیم؟ آقای قطب‌زاده: از شوروی میخواهیم نیرویش را از افغانستان خارج کند!

باین ترتیب امپریالیسم آمریکاقوام عامل امپریالیسم تیره شدند. آنگاه نوبت بهت دربارہ علت کودتای ۲۸ مرداد شد و آقای قطب‌زاده گفت: «کودتای ۲۸ مرداد نمی‌توانست موفق شود، اگر توافق این قدرت‌ها نبود.» باین ترتیب امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم انگلستان یعنی ممالک واهی کودتای ۲۸ مرداد تیره شدند.

خواهد داد، گفت که از «روسه» خواهد خواست نیروهای خود را از افغانستان خارج کند! در این میزگرد، که شرب‌روزجمه ۱۵ فروردین پیش شد، ابتدا دربارہ سیاست خارجی ایران قبل از کودتای ۲۸ مرداد بحث و گفته شد.

در یک میزگرد تلویزیونی تحت عنوان پرس سیاست خارجی ایران، چهارشکست‌کننده در میزگرد، که یکی از آنها آقای صادق قطب‌زاده، امپریالیسم آمریکا از همه جنایات خود در ایران تبرئه شد و اسناد شوروی باطن‌یافتنی شیوه‌ها باعث و بان این جنایات معرفی گردید.

در این میزگرد وزیر خارجه در پاسخ سئوالی که ایران در برابر خودی‌ساخته نظامی آمریکا در منطقه چهواکنش‌نشان

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

چریکهای فدائی خلق ایران

سوسیال امریالیسم را کنار بگذارد و نوقت دیگر هیچ مانع و رادعی برای پوستن این دولخواهی از هم جداشده اقی نخواهد ماند. تحلیل طبقاتی را می بینند! واقعا باید کلاهان را به احترام ز سر بردارید. «نیات حسنه» در نظر چریکها از عمل فاجعه آفرین سبتر است. ما لیکن عقیده دیگری داریم. او چریکهای آن خود را با این جمله ریشخند آمیز ند میکنند:

«راه چینی را هم ممکنست بسا سننیت سگشرفی کرده!»

مارکسیسم هرگز نمیتواند «اقدام» عمل را، که نتیجه مادی انکارناپذیری ارد و خود یک واقعیت تحقق یافته مادی است، تحتالشعاع «نیته» و «مندیار» قرار دهد. چریکهای فدائی چندسطر آنطرف تر لومونی خود از میکارهها برای فراموشی میکنند که مواضع انحرافی دوستان ییکاره خود را زیر لوای «حسننیت» تصادف رسوه نظام، توجیه کرده اند لومونستی ایران، یعنی در جنبش که با میتواند جلوه گاه طبقه کارگر و بایندگان سیاسی آن باشد، به آنها شکست کرده اند. آنها فراموش می کنند که با تطبیق میکاره به این حکم سیداند که:

«در سطح جنبش کمونیستی ایران برنامه حداقل و سیاست و خط و روش ییکار در برابر حاکمیت و مبارزه طبقاتی ... به برنامه و سیاست سازمان ما نزدیکتر است.»

و این فراموشکاری کار دست یسندگان «کار» میدهد، زیرا در بنحال که میکاره را بنامه عنصر حاضری در سطح جنبش کمونیستی ایران نهاد میکنند، یعنی در نهایت آنرا بنوان یکی از سازمانهای سیاسی طبقه کارگر ایران برسیست میشناسند، به پیشگویی میبایزند:

«ییکار همان ایدئولوژی و روشکسته و ارتجاعی خورده بورژوازی عقبمانده و در حال تلاشی را که با شعار نه شرقی و نه غربی بیدان آمده، به عاریت گرفته و میکوشد رنگ و لعاب علمی و آکادمیک به آن بدهد.»

«جوهر و عصاره دیدگاه و پیش خط ۴ همان جوهر و عصاره پیش خورده بورژوازی و افس گرامس است، همان پیش و تفرکی که همان اندازه از سوسیالیسم میهراسد که از امریالیسم متنفر است.»

حل این معما بعهده چریکهای فدائی است که چگونه میخوان در سطح جنبش مونیستی جای خاص خود را داشت و عین حال حامل جوهر و عصاره پیش رده بورژوازی، آنهم قشر عقبمانده ن که «روشکسته و ارتجاعی» است، د آبااین تحقیر و تخفیف جنبش ارگری و ایدئولوژی آفریننده و اعجازگر نیست که عقبماندهترین و روشکسته ین خورده بورژواها بتوانند در جرگه باهنگان آن باشند!

چریکهای فدائی داغ خورده بورژوازی ایسگر، «روشکسته»، «ارتجاعی»، «رجل قلاشی» را که از سوسیالیسم میهراسد چنین ییکارمینند و توتوت آنها به نزدیکی ن برافه و سیاست و خط مشی خودشان آنها میبینند واقفای حمایت و همکاری شتر و نزدیکتر آینه را باروشترین لکها تصویر می کنند.

جای تعجب نیست. بین چریکهای ابی و میکاره ها واقعا هم چنین وجوه

مشترک و قرابتی وجود دارد. مگر چریکهای فدائی در پلنوم خود اقرار نکرده اند که «اپورتوئیسم چه هنوز بطور قدرتمند در سازمان (آنها) عمل میکنند؟ مگر اپورتوئیسم «چپ» چیزی جز مظهر ایدئولوژی خورده بورژوازی است؟ خوب، خورده بورژواها برای فتردن دست یکدیگر دلایل فراوانی دارند. نمونه میخوانید! مقاله چریکهای فدائی می و حضار است. آنها میکاره ها را «خورده بورژوا» می خوانند. درباره خط ۴، یعنی گروه «راه کارگر» هم نظیر همین حکم را میدهند و میگویند:

«شک و بدبینی و یاسی تاریخی خورده بورژوازی که همه چیز و همه گسی را علیه خود میبندد، در گفتار و کردار خط ۴ موج میزند. خط ۴ دیالکتیک مبارزه طبقاتی نیست، خط ۴ هیچ دینی هشی موجود از خورده بورژوازی است.» (کار، ما در انتخابات...)

اما چریکها، غلیغم انتخاباتشان به خصالت خورده بورژوازی خط ۴، با آنها بده و بستان سمیانه ای دارند و خوشبازندی برصفای بین خود و آنها احساس میکنند، چنانکه در توصیف این صاهنگی میگویند:

«در مقولات عام مارکسیستی و به ویژه در تفرکی نسبت به جنبش جهانی کارگری و کمونیستی، دیدگاههای ما نزدیک است.» «ما هرچقدر از مسائل مشخصی به سوی مسائل کلی، از مسائل مجرد ۴۶ سوی مبانی ایدئولوژیک سیر میکنیم، با راه کارگر نزدیکتر میشویم.» (کار، شماره ۳۸، نظری بر سفار آرائی جهانی...)

و جای دیگر، با یک چرخش صد و هشتاد درجه، بر ضد حکم قبلی حکم میدهد: «سوسیالیسم که ریزویونیتها (شوری و دیگر کشورهای اردوگانه سوسیالیسم) در پیش گرفته اند در جهت همکاری و سازش طبقاتی و جلب رضایت امریالیستها دور می زند.» (کار، شماره ۲۹، تاریخچه و منشاء ریزویونیس...)

یکجا در مبارزه خورده بورژوازی، با بورژوازی وابسته و لیبرالها که در بدون هیئت حاکمه دستبند، از نیرو های پروتزی دولت میکند که بطور فعال و نامشهود از خورده بورژوازی ضد امریالیست حمایت کنند (کار، شماره ۳۷، اکونومیسم و آماریسیم...)

و جای دیگر هیچ تفاوتی بین این خورده بورژوازی با بورژوازی وابسته و لیبرالها نمی بیند، مبارزه طبقاتی سیاسی آنها را بازی میانگارد همه را به یک چوب میراند که:

«هیئت حاکمه ... اختلاف اساسی با یکدیگر ندارند و «تمام هیئت حاکمه در اساس، سر و ته یک کربله ای است.» (کار، شماره ۳۶، ستاسور نطق بازرگان)

و این بیچاره و چرخسبا، که شرح یک یک آنها مثنوی هفتاد من کاغذ میشود، آیا به بهترین وجه به ملا کنند ما هیت آن نیروی اجتماعی نیست که خورده بورژوازی خوانده میشود؟ مگر نه اینکه یکی از شاخصهای معروف خورده بورژوازی از این شاخ به آن شاخ بریدن و تزلزل سرشتی و نوسان موضع است؟ گرچه هر تجربه گرایشا و دیدگاههای خورده بورژوازی

بشارند. هم برای انقلابیون ییکار گوته هورا بکشند و کوبای حماسه آفرین و آنکولای رزمنده را تصنیف کنند و هم به دشمن آنها و مجموعه کشورها و نیروهای سوسیالیستی بگویند: «نیت شما شک است»، شما جزو نیروهای جنبش کمونیستی ایران هستید، برنامه و سیاست شما به سازمان ما از همه نزدیکتر است! نه! این اوج اپورتوئیسم است. این همان سیاست یکی به نعل و یکی به میخ زدن است که آخر و عاقبتش به سفسطه و ضد و نقیض گوئی آشکار میگردد و یکجا بصورت کلمات زیر در می آید:

«مبارزه با امریالیسم از عصبه تقریبی ساخته نیست» (کار، شماره ۳۵، چرا مرکز جاسوسی آمریکا تسخیر شد)

و جای دیگر، بی آنکه بروی خود بیارود، نقیض این اعتقاد را می گویند: «تقریباً تمام احزاب لیبرالی، در برابر مبارزه ضد امریالیستی خورده بورژوازی میباشند مرتجع نمی شوند.» (کار، شماره ۴۷، سیاست امریالیسم آمریکا و حاکمیت سیاسی نوین)

یکجا با تأیید مواضع انقلاب و مترقی اردوگانه سوسیالیسم برای نیرو های راستین چه این وظیفه را قائل میشوند که:

«سنگبری جنبش جهانی کارگری و کمونیستی ... باید مورد توجه قرار گیرد. در برابر بصورت ضد سطح جهانی به انزوا کشیده می شوند.» (کار، شماره ۳۸، نظری بر سفار آرائی جهانی...)

و جای دیگر، با یک چرخش صد و هشتاد درجه، بر ضد حکم قبلی حکم میدهد: «سوسیالیسم که ریزویونیتها (شوری و دیگر کشورهای اردوگانه سوسیالیسم) در پیش گرفته اند در جهت همکاری و سازش طبقاتی و جلب رضایت امریالیستها دور می زند.» (کار، شماره ۲۹، تاریخچه و منشاء ریزویونیس...)

یکجا در مبارزه خورده بورژوازی، با بورژوازی وابسته و لیبرالها که در بدون هیئت حاکمه دستبند، از نیرو های پروتزی دولت میکند که بطور فعال و نامشهود از خورده بورژوازی ضد امریالیست حمایت کنند (کار، شماره ۳۷، اکونومیسم و آماریسیم...)

و جای دیگر هیچ تفاوتی بین این خورده بورژوازی با بورژوازی وابسته و لیبرالها نمی بیند، مبارزه طبقاتی سیاسی آنها را بازی میانگارد همه را به یک چوب میراند که:

«هیئت حاکمه ... اختلاف اساسی با یکدیگر ندارند و «تمام هیئت حاکمه در اساس، سر و ته یک کربله ای است.» (کار، شماره ۳۶، ستاسور نطق بازرگان)

و این بیچاره و چرخسبا، که شرح یک یک آنها مثنوی هفتاد من کاغذ میشود، آیا به بهترین وجه به ملا کنند ما هیت آن نیروی اجتماعی نیست که خورده بورژوازی خوانده میشود؟ مگر نه اینکه یکی از شاخصهای معروف خورده بورژوازی از این شاخ به آن شاخ بریدن و تزلزل سرشتی و نوسان موضع است؟ گرچه هر تجربه گرایشا و دیدگاههای خورده بورژوازی

چریکهای فدائی به نمونه و مثال رضاهد نیاز نیست. اسناد پلنوم آنها خود گویاترین زبان و قاطعترین برهان است: «... سازمان در مقطع سال ۵۰ - ۴۹ که در حقیقت آغاز حیات سیاسی اش بود، دچار گسریاتی انحرافی بود و این گسریاتی انحرافی تا به آخر و همین امروز نیز ادامه دارد.»

(بهران درون سازمان، ص ۲۲) آری، انحراف جزو ادامه دارد، بطور یسرومند هم ادامه دارد و از دهان همین گرایش انحرافی است که تاریخ حزب ما، که از رهروان فاداران و خون شهدای پرشمارمان فروغی ضناک و حماسه آمیز دارد، بنامی به لای و لجن کشیده می شود. از دهان همین گرایش حقیقت گریز است که گفته میشود: «طیج صابنه میبازد ز رخساری»

در پشت سر حزب وجود ندارد. و با این مدعا سعی میشود تنها تاریخ موق بلایه کارگر ایران طی چندین دهه، که که با نام حزب توده ایران صحن است، نفی شود.

نهی تاریخ واقعی جنبش انقلابی میهن ما به پیچوجه زدهای حقیقت به هاسلان آن نمیدهد. برعکس، این جور آرادت به طبقه کارگر ایران، تنها قند در دل دشمنان طبقه کارگر آب می کند، زیرا آنها هم طی سی و هشت سال، به انحاء مختلف، این تاریخ را نفی کرده اند، بارتنگ دودغ آنرا آفشته اند، با زهر تحریف به انهای دآوردنش گوشیده اند، به آن زخم زده اند، لگدمال کرده اند، و هر جا هم که از دستشان برآمده، بشناک و خویش کشیده اند.

چریکهای فدائی، به آنهمه جمل و دشنام که انواع دشمنان مارکسیسم و طبقه کارگر ایران بطور خشکی نا بدین نثار حزب توده ایران کرده اند، از خود چه افزوده اند؟ هیچ تنها آن دروغهای کلن زده را دوباره جلا داده اند، آن ناسزاهای چلف و سبک را بنحوی دیگر تکرار کرده اند. در آسیاب کهنه و شکسته انواع تیره های مانوئیست، آب چرکین گذشته رادیکار به حرکت دآوردند. تزویر لیبرالها، طرفداران شایهر و پشختر خائن، قشریون تنگ نظر و حتی رادیو بی بی سی را، که حزب ما را «فراسته» و «اپورتوئیست» می خواند (منجیب نکند! این عین کلام رادیو بی بی سی است. سخنگویان رادیو یالیستی هم از «اپورتوئیست» بودن ما زده میروند) تجدید کرده اند. چریکهای فدائی حتی لفظه ای به این فکریافته اند که: «آخر رمز اینهمه عداوت جسون آمیز که فصل مشترک همه دشمنان ما طبقه کارگر است، در چیست؟ چه کینه و نیروی این ارکستر عظیم ارواح خبیثه را رهبری و تشویق میکند؟ آیا بنفع انقلاب و طبقه کارگر ایران است که چریکهای فدائی به جزئی از این ارکستر گوشخراش باشند؟ و اگر باشند، چه کسانی از این امر واقفا دلشاد می شوند؟

چریکهای فدائی در مقاله مفصل «کار»، شماره ۵۰، مانند همه مقالات و آثار دیگرشان، با توفانی از فضا و تهمت بسرایا حزب توده ایران بیدان آمده اند. آنها در همانحال که در وجود گروههای مشکوک، برتد و خورده بورژوازی که ردای تاریخی مارکسیسرا بردوش انداخته اند، بدنبال وجوه مشترک و محلهای همکاری میگردند، با اشاره به حزب توده ایران، از دیدگاه مییار

آن قوانین مربوطه کشورهای متحد آمریکا و طبق قرارداد های مربوطه، که بین دولت ایران و دولت کشورهای متحد آمریکا تاکنون بسته شده یا بعد از این بسته خواهد شد، با دیگر تأیید می کند که به مساعدتهای نظامی و اقتصادی بنحوی که دولت ایران و دولت کشورهای متحد آمریکا توافق کنند، برای کمک بدولت ایران در حفظ استقلال ملی و تمامیت خود و پیشرفت موثر اقتصاد آن کشور ادامه خواهد داد.

ملاحظه میکنید که آقای قطب زاده از درخواست دولت ایران سخن میگوید و متن قرارداد از قانون اساسی آمریکا و «قانون امنیت مشترک آمریکا» و «قوانین مربوطه کشورهای متحد آمریکا».

در زمان شاه خائن این قوانین و خواست ایران (البته خواست شاه مخلوع) یکی بود، ولی حالا ظاهراً تنها آقای

های خود، به نتیجه زیرین میرسند: «انحراف اساسی حزب توده از اصول موجب شده است خط مشی و سیاست آن نیز پیش از دیگران به زبان انقلابیون کمونیست و جنبش کمونیستی ایران تها شود.»

ما حزب توده را بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران بشمار می آوریم.» (کار، ما در انتخابات...)

و ما از آنها میروسیم: بسیار خوب. اگر در آنچه میگویند، واقعا صادق هستید، چرا این انحرافات را، که که به قول شما اینهمه برای جنبش کمونیستی ایران خطرناک است، تجزیه و تحلیل و افشا نمیکنید؟ آیا کمونیستها با حربه دشنام و تهمت به جنگ انحرافات می روند؟

آری، میتوان با جرات گفت که شما تاکنون در برابر آنچه انحرافی و خطرناک میبشمارید، چه پشتیبانی ملائطی و کاملاً حاشیهای، آنهم سرشار از تکرار مکررات انواع، دوستان خط سه و چهار و پنج و شش و هفت و تاریخ نویسان مهد آریاسری، هیچ قدم دیگری برنداشته اید. تازه این انحرافات هم چنان صحت، عنان از دست داده و فرقه در انبساط بکلی بی استدلالت و ناسزاهای ریز و دشت است، که پیش از آنکه محتوای «انحرافی» مشی و سیاست مارا «افشا» کند، اینان خالی از استدلال شمارا بر ملا میسازد.

ما میگوئیم ییکار هم که شده، از سر اخلاص، کلاهان را قضا کنید. شما که نمیکنید «تزه» راه رشد غیر سرمایه داری را بنحوی یکی از جنایات و محتسناک ما به مارکسیسم قلمداد می کنید، در تحلیل و تفسیر دلایل اینس تری به اصطلاح انحرافی، چه گلی به سر جنبش کمونیستی ایران زده اید؟ آیا یکی دو مقاله آیکی و بر از بدویبره، جواب نظریه ای است که بزرگترین ایدئولوگهای مارکسیست مصر ما آنرا تدوین و تکمیل کرده اند و اکثریست نزدیک به اتمام احزاب کارگری و کمونیستی جهان ما به صحت انقلابی و خلاصیت تاریخی آن رای داده اند و درباره هر جزه آن تاکنون هزاران کتاب و مقاله تحلیلی و تحقیقی توسط نامورترین دانشمندان و مفسران نوشته شده است؟ این آسان است که یک روشنفکر مدعی مارکسیسم، که هنوز چهار کتاب پایه ای مارکسیسم را هم نخوانده، روی تمامی این دستاورد تاریخی مجموعه جنبش کمونیستی دنیا خط قرمز بکشد و با بخت و تحقیر فریاد بزند:

«راه رشد غیر سرمایه داری همان «ریزویونیتها» بویژه بی اثر کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری سال ۱۹۵۷، با دستاویز کردن نظریه راه رشد غیر سرمایه داری، «گوشیده اند ... جنبشهای کارگری و جنبشهای دمکراتیک جهان را به شکست بکشاند»

(کار، شماره ۴۲، راه رشد غیر سرمایه داری...)

حالا چرا راه رشد غیر سرمایه داری همان راه رشد سرمایه داری است، چرا همه احزاب کارگری و از آن جمله گرنایبها پیشتر ویتنام و لائوس و آنکولا و گویا و شوروی و بریتال و دهها حزب تاریضاض، که از تلاطم خون و آتش و تجربه های گرابار گذشته اند، می گویند جنبشهای کارگری و دمکراتیک

(کار، شماره ۴۲، راه رشد غیر سرمایه داری...)

مطلب زاده است که اینها را یکی میدانند. بعد از این دفاع از آمریکا، آقای قطب زاده به قرارداد سموت ایران و شوروی پرداخت و گفت: «مواد ۵۰۵ این قرارداد اصلاد بطی به ایران ندارد. روسها اگر تشخیص بدهند که مرزهایشان تهدید شده، می توانند وارد شوند. این استعماری ترین و نتکین ترین قرارداد است که در جهان میتوان بست. یعنی قرارداد بسا شوروی همیشه این خطر را دارد که یکی از همسایه ها تحریک کنند و آنها وارد ایران شوند.»

حالا ببینیم که ماده ششم قرارداد ایران و شوروی چه میگوید: «طرفین معظمتین موافقت حاصل کردند که هرگاه همالک ثالثی بتواند بواسطه دخالت مسلمه سیاست فاسدانه در خاک ایران مجری داند یا خاک ایران

جهان را به شکست بکشند. و چمنفی در این کار دارند، بماند. نویسندگان «کار» وقت خودشان را با تشریح این مسائل جزئی و بی اهمیت، تلف نمیکند! از قرار چریکها سهم و طلاق بیشتری در انقلاب جهانی دارند، تا آن هشتاد و چند حزب کارگری و کمونیستی، که در قلب تحولات دوران ما حضور دارند و به یمن این حضور انقلابی است که تاریخ منصر چنین شمله در و بار شده است.

چریکها راه رشد غیر سرمایه داری را مانند دیگر دستاوردهای پراتیک و شوروی جنبش جهانی کارگری و کمونیستی، که حزب توده ایران نیز جزء و ضوی از آنست، نمی بینند. همین کافی است که پاران دشنام باریدن بگیرد و القاب و برچسبهای نظیر ریزویونیت ... سازشکار ... تسلیم طلب ... اپورتوئیست ... خائن ... برای پیشکش به اعضای انقلابی ترین جنبش جهان، سفارش داده شود. وقتی بازار تهمت و دشنام گرم است، حقیقت بجالی نمیاید. آنها که حقیقت ندارند تا عرضه کنند، جز هیاهو و کلب بافی و ناسزا جان بنام دیگری نمیتابند. ولی کمونیستها برای مبارزه بسا مخالفان و رقبا خود به افترا و ناسزا بیازی ندارند. حتی از آن گریزانند، زیرا آنها دلیل و منطق برنده ای دارند. حقیقت آنها، جوهر برهان و منطق آنهاست

اما چریکهای فدائی روش دیگری دارند. مقاله، آری حتی یک مقاله آنها نیست که به حزب توده ناسزا بیوزارد و ناگهان دژ انفجار خشم ناشی از عجز از کوره دهنرد. این پرخاشجویی اگر چه حقیقتی درخود ندارد، اما بازگویی حقایق تلخی است:

۱ - چریکهای فدائی، بر خلاف دعوی خود، با نظرات حزب توده ایران مبارزه نمیکنند، از مبارزه با آن طفره میروند.

۲ - چریکهای فدائی از حزب توده ایران میهراسند، زیرا آنچه را که مدعی آن هستند، امدار خود نمی یابند در وجود آن می بینند.

چریکها در سیمای حزب ما نیرو و سهای رامی بینند که در سراسر گیتی در حال پیشروی و فتاح است و همین دهشت است که آنان را بجای روبروشدن منطقی و اصولی با حزب توده ایران، به ایجاد خصومت صطنعی و براف انداختن جنجال و ناسزاهای تحریک آمیز و امیدوار، تا در پشت این گردوغبار کاذب سنگر بگیرند و همچنان طرفداران خود را از شنیدن آراه و نظرات حزب توده ایران و مقایسه آن با آراه و نظرات خود بازدارند.

اسلوب چریکها، هزاد طبیعی جهان بینی غیردورتری و انتقالی آنهاست. و ریشه تمامی عوارض و بصران ریشه ای سازمان چریکها نیز همینجاست. پلنوم سازمان چریکهای فدائی خلق این معنی را بطور صوری در یافته است که انحراف میکند:

خط پروتزی در مجموع (در سازمان ما) غلبه ندارد. اگر داشت، برافه (خاصی خود را) میریخت. وضعیت کنونی سازمان بدلیل ضعف این جریان است... (بهران درون سازمان... ص ۱۷)

در مرکز حلات نظامی بر ضد شوروی قرار دهند و اگر ضماً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحاد شوروی یا متحدین آنرا تهدید نماید و اگر حکومت ایران پس از اخطار دولت روسیه شوروی خود نتواند این خطر را رفع نماید، دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را بشناک ایران وارد نماید تا اینکه برای دفاع از خود اقدامات لازمه نظامی را بعمل آورد. دولت روسیه شوروی متعهد است که پس از رفع خطری بلا درنگه قشون خود را از حدود ایران خارج نماید. خوانندگان میتوانند با مقایسه متونی که از دو قرارداد اردیم خود قضاوت کنند که کدام قرارداد استعماری و نتکین است. در دنبال مباحثه، یکی از شرکت کنندگان در میز گرد از آقای قطب زاده پرسید:

«بمدان قرارداد ۱۹۵۳ قرارداد داری از منافع آمریکا به شوروی داده و قریه فیروزه و غیره...»

چریکها این سخنان، یعنی آقای بزه، در این جا بلافاصله بیادش افتاد «گاف» داده است و حرفهای اصلاح داد. قریه فیروزه در زمان مسدود در اهل ۱۱ تن طلا، که روسها ندادند، فته شد...»

تأمین کار برای کارگران ییکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

صدای انقلاب در بستر عباس شهر را به آشوب کشید!

در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۵، عوامل ضدانقلاب و وابستگان رژیم کتف پهلوی در تظاهرات ضد آمریکایی مردم بندر عباس، زیر لوای اسلام و یادان شمارهای ضد کمونیستی و تحریک آمیز، توانستند عده‌ای از مردم ناآگاه را از صف تظاهرات خارج کنند و با حمله به محل فروش نشریات سازمان‌های سیاسی و کتف پهلوی، شهر را به آشوب بکشاند.

در این حمله چند کتابفروشی و کiosk فروش نشریات به ویرانه‌ای تبدیل شد و گروهی از جوانان مبارز شهر مورد هجوم و حشیانه عوامل ضدانقلاب واقع شدند.

متأسفانه در این جریان‌ها تعدادی از افراد سپاه پاسداران نیز حضور مستقیم داشتند و از مهاجمین پشتیبانی کردند و در آخر کار مبارز به تسیر اندازی

روائی کردند. در این حادثه تعدادی مجروح و قریب ۴۰ نفر دستگیر شدند. که همگی دستگیرشدگان از مجروحین بودند. در رابطه با این بورش، سازمان حزب توده ایران در بندرعباس طی اعلامیه‌ای خطاب به مردم مبارز بندرعباس، تأکید کرد که:

دشمن ما امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است. هرگونه شعار یا تلاش در جهت منحرف کردن مبارزات مردم از این مسیر کاری جز ضربه زدن به انقلاب و کمک به امپریالیسم و خارج کردن امپریالیسم آمریکا از زیر ضربات مرگبار زحمتکشان و توده‌های محروم ایران نیست.

در اعلامیه همچنین آمده است:

تمامی پررسمی که چراسپاه پاسداران در مقابل حمله عناصر

رویدادهای ایران

اطلاعیه حزب توده ایران سازمان شهرستان بوشهر در مورد انتخابات

حزب توده ایران سازمان شهرستان بوشهر - در رابطه با انتخابات مجلس شورای ملی اعلامیه‌ای منتشر کرد. در این اعلامیه آمده است:

سخن را با نام توده‌ها، با مردم شریف بوشهر آغاز می‌کنیم. با مردمی که صادقانه مبارزه کرده، خون داده و اینک نیز با تمام وجود در صدد حفظ دستاوردهای انقلابند.

در کارزار انتخاباتی، یاران حزب با تلاشی پیکر، تمام توان خود را به کار بستند تا هر چه بیشتر عدالت ۳۸ سال تلاش خستگی‌ناپذیر حزب و نیز آرمان‌های حزب توده ایران را که رژیم گذشته تلاشی مذبحانه کرده بود که آن‌ها را مدحون کند، به تمام زوایای جامعه رسوخ دهند. این تلاش در حقیقت فریاد نندرت آسای حزب است که بیش از یک ربع قرن مورد تهاجم و حشیانه بوده و چه خوب این فریاد تا دورترین روستاهای ایران امکنس یافته و شنیده شده است.

در کارزار انتخاباتی، لحظه‌های تلخ و شیرین فراوان بود، که این‌ها در حیات افتخار آفرین حزب توده ایران همیشه بوده و بازم خواهد بود. در ابتدای امر عناصری بودند که در پی شاکر پوسترها و اعلامیه‌ها بودند، یعنی در حقیقت تلاشی می‌کردند تا با نام همیشه زنده حزب توده ایران را محو کنند، ولی آنها بتدریج همچون برف در برابر تلاؤ خورشید و آریاران ما ذوب شدند و سرانجام چون مرداب، مطرح شدن جریان روان حزب را به تماشا ایستادند. در اواخر کار کسانی که به روی یاران ما چاقومی کشیدند و برای جلوگیری از فعالیت‌شان به روی به تهدید و ارباب و انواع حیل‌ها متوسل می‌شدند، خود را در مقابل دوستداران حزب دیدند و بکرات شاهد بودیم که در مقابل ننگه نظران، مردم خود دفاع از حزب توده ایران را بر عهده می‌گرفتند طبیعتاً دیگر نیازی به دفاع مستقیم از حزب بوسیله یاران حزبی نبود، چون دفاع از آرمان‌های حزب توده ایران در وهله اول در صلاحیت همین مردم است. این جوان‌های نوسرور، در آینده تکوفا تر خواهیم یافت.

در جریان برگزاری انتخابات ما شاهد موارد متعددی از نخلخفا بودیم. از جمله فرمانداری در دادن اجازه سخنرانی آقدر علل روزید تا فرصت از ما گرفتند. از طرف دیگر بعضی از کاندیداها در جریان سخنرانی‌های انتخاباتی به جای مطرح کردن برنامه خود، به حزب توده ایران می‌ناخند و تبلیغات سوء علیه حزب ما در لحظه انتخابات و از طرف مسئولین صندوق‌ها و بسا صدای بلند جریان داشت. توصیه‌های شفاف و کتبی و سهل‌انگاری‌ها نیز زیاد بود. و عاقبت ریختن رای نیز بدون حضور نمایندگان رسمی بروز شد.

علیرغم همه این‌ها، ما تسلیم و سیر انقلابی داریم و با شناخت فوق جریانات سر نوشت‌ساز، خود را اسیر هیجانات لحظه‌ای نمی‌کنیم. ما معتقدیم که آراء بدست آمده نمایانگر تمام توان و وجود حزب ما نیست و در این زمینه قضات را به عهده مردم می‌گذاریم که خود منصف‌ترین قاضی هستند.

حمله به میز فروش نشریات حزب توده ایران در دماوند

میز فروش نشریات حزب توده ایران توسط گروهی از راد شناخته شده در دماوند در حمله قرار گرفت. در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۵ ساعت چهارم از ظهر گروهی از افراد شناخته شده به میز فروش نشریات حزب توده ایران در دماوند حمله کردند و آنرا همراه کلیه کتب و روزنامه‌ها به رودخانه انداختند.

متن تلگرام اعتراض سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران به کارگزاری جمهوری آمریکا

خ سفید - برزیدت کاتر - توفیق غیر قانونی زیاد - المین مین پرست فلسطینی و خورد غیر انسانی پلیس آمریکا

با او، موج اعتراض تمام نیرو - های دمکرات جهان را بر انگشت، ضمن محکوم کردن عمل غیر - انسانی دولت شاعلیه دانشجویان

اخبار کارگری

تعطیل کارخانه‌ها حوزه‌ای در دست سرمایه‌داران

مرفداری کهنه گوراب، واقع در ۶ کیلومتر ۶ جاده رشت، از یک سال پیش تا کنون تعطیل است. یکی از کارگران شانه روزی این کارخانه در این باره می‌گوید:

«صاحب کارخانه، که در رشت ماشین آلات کشاورزی نیز می‌فروشد، پیش از یک سال پیش مرفداری را بهانه نبودن مواد اولیه جهت تهیه طوبور تعطیل و کارگران را بی‌کار کرده است. این کارخانه هیچگونه نقی، چه از نظر فنی و چه دیگر وسائل ندارد، ولی صاحب کارخانه تاکنون با دسایس بسیار و اعمال نفوذ از رسیدگی توسط ارگانهای اجرایی کشور جلوگیری بعمل آورده است.»

این کارگر سپس می‌افزاید: «تمام کارگران اینجا، علی‌رغم شکایات بسیار، از کار بی‌کارشدن و تنها من که ۸ سال سابقه کار دارم و جانی برای اسکن خانواده‌ام ندارم، اینجا مانده‌ام و فعلاً ماهی ۵۰۰۰ ریال حقوق می‌گیرم و با وجود موتور برق سالسی که در اینجا هست، در تاریکی از این کارخانه و بازاریش نگهداری می‌کنم در ضمن حق استفاده از ۳۰۰ کیلووات برق پایی که کارخانه را احاطه کرده است، ندارم. بهر حال دردها بسیار است، از جمله اینکه هنوز من بیمه نیستم. ما مستضعفان امید بسیاری به جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی داریم و خواهان رسیدگی به مشکلات زندگیمان هستیم.»

به جای کارگران زحمتکش، عناصر وابسته به رژیم سابق را از اداره جنگلداری بیرون کنید

حدود ۳۵ نفر از کارگران جنگلداری خوزستان - دزفول - از یکسال پیش و در دست پس از پیروزی انقلاب از کار اخراج شدند. این کارگران هر یک بین ۲ تا ۴ سال سابقه خدمت دارند. کارگران من بود، «کارگران کاتر» نامیده می‌شدند، چون بطور غیر رسمی و بدون بیمه و امتیازات دیگر کار می‌کردند.

کارگران اخراجی تاکنون بارها به اداره جنگلداری دزفول و مرکز آن اهواز مراجعه کرده و حتی چندبار نمایندگانی به تهران کسبل داشته‌اند، مسئولین جنگلداری تهران در پاسخ گفته‌اند: «ما مربوط نیست. به سر جنگلداری خوزستان مربوط است». در خوزستان نیز با آنها می‌گویند که به تهران مربوط است! با این ترتیب مدت یکسال است که آنها را سر می‌دوانند.

اخراج کارگران زمانی صورت گرفته که شورای انقلاب هر گونه اخراجی را ممنوع اعلام داشته است. کارگران این اداره می‌گویند: اداره جنگلداری در رژیم گذشته افراد ضدچریک تربیت می‌کرده و لانه عناصر وابسته به رژیم شاه مخلوع بوده و تا بحال نیز تصفیه کامل نشده است. کارگران خواستار تصفیه کامل و فوری اداره جنگلداری خوزستان از عناصر سرسپرده رژیم شاه مخلوع و استخدام رسمی کارگران میمانی اخراج شده، هستند.

یک پایه تشویقی باید یکسان به همه کارگران شرکت واحد داده شود

کارگران شرکت واحد خواستار اعطای یک پایه تشویقی شده‌اند. پیش از انقلاب به کارگران شرکت واحد حقوق داده شده همگی یک پایه تشویقی می‌گرفتند. پس از انقلاب در عمل این امتیاز فقط به ۵۰۰ نفر داده شد و دیگران از قلم افتادند.

کارگران می‌گویند اگر این امکان در اختیار عده‌ای قرار گرفته چرا دیگران باید محروم بمانند؟

تخصیص حقوق کارگران در سازمان گوشت کشور

در سازمان گوشت کشور پاره‌ای از کارگران میمانی بیمه نیستند، از حقوق ایام تعطیل بی‌بهره‌اند و مزایای قانونی کارگری به آنان تعلق نمی‌گیرد.

با وجود این ضمن داشتن چندین ماه سابقه کار، دستمزد روزانه ناچیزی می‌مابد حدود ۷۰۰ ریال می‌گیرند.

یکی از این کارگران، خانمی است که همسرش سمال در سازمان گوشت کار کرده است. پس از فوت شوهرش به او اعلام کرده‌اند که حقوقی به خانواده کثیرالاولادش تعلق نمی‌گیرد، ولسی او می‌تواند بمنوان کارگری میمانی در این سازمان کار کند.

این کارگر با پیش از ۸ سال سابقه کار، همچنان غیر رسمی و محروم از مزایای قانونی کارگری است.

جالب توجه است که کارگران رسمی سازمان گوشت (اعم از کارگران دفتری، کارگر ساده و سلاخ) از مزایای همچون ۱۵۰ تومان هزینه مسکن، پاداش، سود ویژه، حق اولاد به میزان ۱۷۰ تومان تا دو اولاد حق خواربار برای متاهلین ۸۰ تومان و مجردها ۴۰ تومان برخوردارند، اضافه کار ساعتی دارند، پاره‌ای از آنان لباس کار می‌گیرند و دستمزد آنها نیز از حداقل تسویبی وزارت کار تا حداکثر ۱۷۰ تومان در روز مشخص شده است.

قطعنامه کارگران تهران کمیال

در جلسه عمومی که استفاده گذشته در محل کارخانه تهران کمیال تشکیل شد، نماینده دولت در گروه ضمنی به شهر، سخنانی ایراد کرد و کارگران نیز سوالاتی در مورد داماندازی کارخانه کردند و مشکلات خود را با نماینده دولت در میان گذاشتند. در پایان جلسه قطعنامه زیر به تصویب رسید.

۱- ما خواستار تعیین مدیریت مسئول و آگاه و صدیقی، در جلسه عمومی که استفاده گذشته در محل کارخانه تهران کمیال تشکیل شد، نماینده دولت در گروه ضمنی به شهر، سخنانی ایراد کرد و کارگران نیز سوالاتی در مورد داماندازی کارخانه کردند و مشکلات خود را با نماینده دولت در میان گذاشتند. در پایان جلسه قطعنامه زیر به تصویب رسید.

۱- ما خواستار تعیین مدیریت مسئول و آگاه و صدیقی،

اخبار دهقانی

«که بر که» در روستاها

سرانجام با تصویب قانون اصلاحات ارضی توسط شورای انقلاب، در تاریخ ۵۸/۱۲/۸، زمینه فراهم شده است تا پایگاه اصلی امپریالیسم در روستاها درهم نودیده شود. اگر این قانون بطور قاطع و همه‌جانبه اجرا شود، مالکیت بزرگ با شیوه‌های شورایی و سرمایه‌داری، جای خود را بطور عده به تعاونی‌های تولیدی دهقانی و خرده مالکی واگذار خواهد کرد و شرایط مناسب برای پیشرفت انقلاب ایران و شکوفایی آن پدید خواهد آورد و ضمناً بسیاری از مسائل تولید کشاورزی داخلی و نوسازی روستاها را حل خود را خواهد یافت.

تاریخ مساله اخیر ایران نشان می‌دهد که همه جنبش‌های انقلابی ایران بدون لحاظ دچار ناکامی شده‌اند که نتوانسته‌اند مسئله «که بر که» در روستاها را حل کنند، یعنی به سود ترقی اجتماع و افشار زحمتکش دهقانی به این سؤال که، کدام طبقه و قشری بر کدام طبقه و قشری پیروز خواهد شد، پاسخ گویند. به عبارت دیگر، یا به عامل عینی «مالکیت» توجه نکرده‌اند، یا عاجز از طرح و حل درست آن بوده‌اند. انقلاب مشروطیت، جنبش ضد امپریالیستی دوره صحت و غیره شاهد این منعمات.

مالکن بزرگ که همگی یکی از پایگاههای مطمئن و اصلی ارتجاع، ضد انقلاب و امپریالیسم بوده‌اند. بنا بر این، انقلاب تا این مسئله را حل نکند و مالکیت بزرگ را از میان بردارد، یک پایگاه عینی برای ضد انقلاب همچنان باقی خواهد ماند و در شرایط «مناسب» دشواریهایی برای انقلاب ایران فراهم خواهد ساخت.

مالکن بزرگ در تمام جریان انقلاب و پس از پیروزی انقلاب با امام خمینی، رهبر انقلاب، سر مخالفت و ناسازگاری داشته‌اند و با چنگ زدن و در لباسهای مختلف از منافع ستمگانه و مالکیت غاصبانه خویش دفاع کرده‌اند. آنها هم امروز نیز در آرزوی شکست انقلاب بر همین تدویر است. به شکست کشاندن آن، توطئه‌چینی و تشنج- آفرینی می‌کنند. این نقش ضد انقلابی و ضد خلقی ناشی از ماهیت طبقاتی آنهاست. همانطور که پریروز فردا ملکان پایگاه اصلی رشاخان جلاد و امپریالیسم انگلیسی بوده‌اند و در پیروزی و زوال ملکان، پایگاه محمد رضای مخلوع و رژیم وابسته او به آمریکا شمار می‌آیند، امروز نیز کلیه بزرگ مالکان یکی از پایگاههای امپریالیسم و ضد انقلاب داخلی را تشکیل می‌دهند.

از سوی دیگر پایگاه اجتماعی انقلاب ما در روستا باید در وهله نخست دهقانان تهیست بی‌زمین و کوزمین باشند و در مرحله بعدی دهقانان خرده‌باز و مرفه، منافع حیساتی اینان دست در تخته مقابل منافع غارتگرانه مالکن بزرگ قرار دارد. این اقتصاد مختلف دهقانان و بویژه دهقانان زحمتکش هستند که پایگاه مطمئنی برای انقلاب ما بشمار می‌روند.

بنابراین مسئله روشن است، یا تکامل و شکوفایی انقلاب، یا درجا زدن و ناکامی آن.

حل مسئله «که بر که» در روستاها یا بسود منافع طبقاتی میلیون‌ها دهقان زحمتکش یا بسود منافع زمین‌داران بزرگ یا چنانچه کردن دهقانان تهیست (بی‌زمین و کوزمین) بجای مالکن بزرگ، یعنی تحکیم شالوده‌های انقلاب، یا تقویت بزرگ مالکی و تثبیت آن، یعنی استقرار یک پایگاه اصلی برای ضد انقلاب راه سومی وجود ندارد.

برای رفتن بر راه نخست، راه انقلاب، راه پروردگار مالکی راه حمایت از میلیون‌ها دهقان تهیست، باید فاصله عمل کرد. باید با تشبثات و توطئه‌های مالکن بزرگ و حامیان آنها مقابله کرد. هر کسی که به انقلاب و سر نوشت آن علاقتند است، در این نبرد «که بر که»، باید سهم شایسته خود را ایفا کند.

حق با شورای کارکنان شرکت فلور ایران است

شده و نه با کارکنان از طرف وزارت نفت قراردادی بسته شده است. در نتیجه کارکنان شرکت با تکلیف مانده‌اند. تنها بهر کسده از کارکنان از جانب شرکت نفت ۳۰۰۰۰۰ ریال پرداخت شده است.

کارکنان شرکت خواهان دریافت سه ماه حقوق وعیدی و پاداش هستند. از طرفی شورای کارکنان برای دریافت مطالبات خود و ولت نامه تهنیتی به شرکت نفت ارائه داده است، ولی آنها با ترسیدن عذر و بهانه‌های بی‌مورد و کالت نامه را رد کرده‌اند.

شورای کارکنان شرکت از مقامات مسئول مملکتی خواسته است که راه حلی برای این مشکل بیابند، تا ضد انقلاب نتوانند در دوران انقلاب اسلامی آماجاری و شورای انقلاب اطلاع داد. متأسفانه تاکنون نه قراب داد شرکت فلور ایران رسماً نسخ

د، که از طریق شورای کارکنان اظهار می‌گردد، با مشارکت و همکاری یکدیگر حل و فصل نمایند. ۳- ما نیز با هر چه که در دسترس داریم و نیز آنچه در اختیار داریم که مواردی در دسترس افراد بر علیه یکدیگر دارند و بدین ترتیب می‌خواهند مانع حاکمیت افراد بر سر نوشت خویش شوند، ضمن افشاگری با شدیدترین وجهی پاسخ خواهیم داد. ۴- ما از مسئولین دولتی می‌خواهیم چنانچه خود را در مقابل این کارخانه و افراد آن مسئول و متعهد می‌دانند، یا فرستادن نماینده‌ای بطور مداوم برچگونگی انجام کار و پیشرفت آن نظارت کامل کنند.

۵- ما از کلیه کارکنان می‌خواهیم بدون اتلاف وقت و با جهت ن از آن چون گذشته، به کار مت گمارند و نشان دهند که به آینده کارخانه تودرتوجه به سر نوشت خویش پای بند بوده و ولایت و شایستگی استقلال فکری و کاری را دارند.

تشکل کارگران در انجمن‌های صنفی (سندیگایی) ضرورت انقلاب ایران است

طرفه از پاکسازی در سازمان مسکن

شورای کارکنان سازمان مسکن ضمن نامه‌ای به وزیر مسکن و شهرسازی خواستار پاکسازی عوامل ضدانقلاب از این سازمان و قطع نفوذ طاغوتیان و لیبرال‌ها و پیروان سیاست گام‌به‌گام شدند. در نامه این شورا آمده است:

وزیر محترم، ضدانقلاب هنوز انقلاب را در پشت مرزهای این سازمان متوقف نموده و کمترین نشانه‌ای از وقوع انقلاب و عملگردهای آن به چشم نمی‌خورد... پرواضح است که این سازمان از سال ۱۳۳۲ تاکنون مرکز برای غارت و حیف و میل میلیونها مترمربع اراضی بیت‌المال... مرکز برای چپاول و غارتگری آبادی و شرکای ساواک و دربار بوده است.

دردناکه این نامه، ضمن اشاره به لزوم رسیدگی هیئت پاکسازی این سازمان به مدارک و شواهد مربوطه به طاغوتیان و عوامل وابسته آمده است.

متأسفانه تاکنون تمامی نامه‌ها و درخواست‌های کارکنان این سازمان (درمورد پاکسازی) بلاجواب و مسکوت مانده است. لذا با در نظر گرفتن اینکه پاکسازی و انطباق‌بندی از سازمانهای

دولتی با ضرورتها و ضوابط انقلابی به عمل آمده و با شروع شده، سکوت و مظلومیت از فشار و تصفیه عوامل فاسد و ساواکی این پرسش را مطرح می‌کند که، اساسی و پای چه کسانی در میان است؟ چرا این چنین سرنوشت انقلاب و حواصل مبارزات خونین و فداکارانه ملت مستضعف ایران را ناچیز می‌شمرند؟

در این نامه سپس خطاب به وزیر مسکن آمده است:

در عهده و مسئولیت شمامت که سازمان مسکن را از چپ‌پره ضد انقلاب و طاغوتیان و نفوذ لیبرال‌ها و پیروان سیاست گام‌به‌گام برهانید، سازمان مسکن دارای امکانات تخصصی، فنی و تولیدی و نیروی انسانی ماهر و لازم‌الاجراست که عمدتاً پسند از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون بنا به دلایل توجیهی مسئولان امر به زیان سازندگی انقلاب، عامل و باطل مانده یاد نهادهای سوسی دارند آنرا کتبه در خدمت مقاصد گران سوداگر قرار دهند. ما به حکم وجدان انسانی و مینوی خود از بیان و ابلاغ مقاصد و حقوق به مسئولین گذشته و شما کوتاهی نکرده‌ایم، تا مصلحت چه دانند و از شما می‌خواهیم بر اساس وظیفه شرعی خود اقدام نمائید.

نقش آذربایجان در جنبش خلق‌های ایران



از طرف تشکلات حزب لیسوده ایران در اردیبهشت اخیراً نمایشگاه عکس و سندی از نقش آذربایجان در جنبش خلق‌های ایران در این شهر ترتیب یافت. این نمایشگاه مورد استقبال پرشور زحمتمندان شهر و روستا و بخصوص کسانی که با فرقه دمکرات آذربایجان آشنایی داشته و با آن در ارتباط بودند، قرار گرفت.

بزرگداشت سالروز جمهوری اسلامی ایران در مسکو

وزندانیان در دوران سلطنت محمد رضا داده میشود ولی من می‌خواهم بگویم که این امر فقط همین گوشه کوچکی از این جنایت عظیم است بزرگترین جنایتی که در دوران ۳۷ ساله حکومت شاه مخلوع پسر ایران رفت کوششی بود که برای از بین بردن تمام انسانهای متعهد و مشغول بعمل آمد و این ضربه‌ای است که بایسن زودبیا نمودن جبران کرد.

دکتر مکرزی افزود: شاه در تمام جنایات و خیانت‌هایش بطور کامل از طرف صهیونیستها و امپریالیستها حمایت میشد و همین دلیل هم پس از فرار از کشور با پانزدهم اردیبهشت از حمایت از این جنایت فساد بر نداشتند و اینک با موج خشم و نفرت تنها تمام مردم ایران، بلکه مردم آزاده سراسر جهان مواجه شده‌اند و این لکه ننگین را در پناه یک توکد دیگری خود یعنی انورسادات خیا ننگار قرار دادند.

دکتر مکرزی در قسمت دیگری از سخنانش خود گفت: دوستی ایران با سایر کشورها متوازن با عکس العمل این کشورها در مقابل انقلاب ایران است و هر کشوری که به استقلال و حاکمیت ملی‌ها احترام بگذارد، ایران در حفظ و ادامه روابط دوستانه با آن کشور کوشا خواهد بود. ماسی بر این داریم با تمام همسایگان خود روابط دوستانه و حسن همجواری داشته باشیم و متأسفانه توقع داریم که همسایگان ما نیز اصول انقلاب ایران را رد کنند و روابط خود را با امپاریالیستها و انقلابی‌های ایران تطبیق دهند و این نکته توجه داشته باشند که با امپاریالیستها که دیپلماسی نمی‌تواند در باره جمهوری اسلامی ایران تفاوت کرد.

دکتر مکرزی سپس با اشاره به پیوستگی انجمن رفراندوم که منجر به استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران شد گفت: نتایج بدست آمده از این رفراندوم در حقیقت همین وحدت کلمه مردم ایران در مبارزه با امپریالیسم بوده و وحدت و اتحاد است که این وحدت کلمه وجود داشته باشد، مردم ایران کوچکترین وحشی از قدرتهای متجاوز ندارند.

در پایان این مراسم قلمی از رفراندوم جمهوری اسلامی ایران به عرض نمایش گذاشته شد.

(کجهان، ۱۷ فروردین)

بزرگداشت سالروز جمهوری اسلامی ایران در مسکو با شرکت بورژوازی برگزار شد.

بر اساس گزارش رسیده از سفارت جمهوری اسلامی در مسکو فروردین از طرف دکتر محمد مکرزی سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی یک میهمانی عصرانه در محل سفارت ترتیب داده شده که در آن آقای برژنف دبیر اول حزب کمونیست و صدراعزای هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی، آقای کین‌معاون ایشان، تعدادی از وزرای کابینه، مقامات عالی‌رتبه دولتی و حزبی و سفیر خارجی مقیم مسکو شرکت داشتند.

آقای کین بنامندگی از طرف مقامات رهبری اتحاد شوروی و هیئت دولت و همچنین ملل اتحاد شوروی سا لگردد استقرار جمهوری اسلامی ایران را به سفیر کشور ما تبریک گفت و تقاضا کرد پیام دوستی و تعهدت رهبران و ملت اتحاد شوروی به حضور حضرت امام خمینی رهبر بزرگ انقلاب اسلامی و ملت مبارز ایران ابلاغ شود.

به دعوت انجمن روابط فرهنگی شوروی و ایران نیز بعد از ظهر روز دوشنبه ۱۱ فروردین مراسم در محل خانه‌ای دوستی با حضور شخصیت‌های سیاسی دانشگاهی و سایر طبقات مردم شوروی و همچنین ایرانیان مقیم مسکو برگزار شد.

در این مراسم معاون دانشکده مسکو و رئیس انجمن روابط فرهنگی شوروی و ایران مطالبی در باره اوضاع داخلی ایران قبل از انقلاب اسلامی بیان داشت و عواملی را که در وقوع انقلاب اسلامی ایران و استقرار نظام جمهوری مؤثر بودند بر شمرده و نقش قاطعانه حضرت امام خمینی را در پیروزی رساندن انقلاب ملت مسلمان ایران ستود.

سپس سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد شوروی طی سخنانی گفت:

انقلاب اسلامی ایران عکس العمل طبیعی ملت دیندار نظامی است که در طول سلطنت رضاخان و فرزندیش بر مردم ایران رفت و برگشت فزونی جنایت و خیانت این پدر و پسر غیر قابل شادش است. اگرچه آمارهای در مورد تعداد شهدا، معلولین و شکنجه‌شدگان

در مطبوعات کشور

نظر نماینده مجلس درباره گروگانها

دکتر حسن آیت:
اگر آمریکا شاه و امواتش را به ایران تحویل دهد و دست از توطئه‌هایش، که هم‌اکنون نیز ادامه دارد، بردارد، مسئله گروگان‌ها حل خواهد شد.

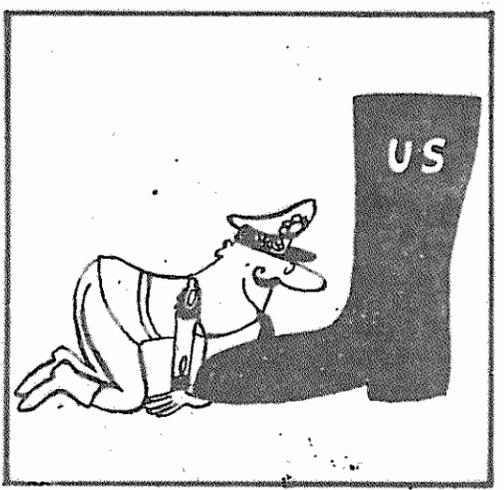
احمد رضا صدر حاج سیدجوادی:
در مورد گروگان‌ها باید دولت آمریکا به خواست مردم توجه کند و باید خواست مردم بر آورده شود و تا خواست مردم بر آورده نشود، قضیه گروگان‌ها حل نخواهد شد.

صادق خلغانی:
این مسئله در مجلس شورای اسلامی حل خواهد شد و یک امر ساده‌ای نیست که مجلس به سادگی از کنار آن بگذرد.

علی اکبر هاشمی رفسنجانی:
آمریکا باید این واقعت را بپذیرد که شاه مجرم بزرگ است و خود آمریکا هم شریک جرم است و باید این مجرم را تحویل دهد تا این مسئله حل شود.

محمد مهدی جعفری:
گروگانها بعنوان یک وسیله سیاسی در اختیار ملت است، نقش عمل حقیقت‌موضع ضد امپریالیستی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران و ماعتی شدن مردمی و امپریالیستی آمریکا را به جهات نایب تأمین میکند. ملت ایران بر سر گروگان‌ها به هیچ سازش و معامله‌ی حاضر نیست و در برابر آمریکا دو راه بیشتر وجود ندارد: بازگرداندن شاه مخلوع و ثروت ملت ایران که بوسیله او و خانواده‌اش به غارت رفته و در دستان گروگان‌ها به دست است و یا محاکمه گروگان‌ها بعنوان جاسوسی که جرم جاسوسی آنان مسلم شده است.

رضا اصفهانی:
بظن من، محاکمه فلسفی بظن میرسد، حتی اگر شاه را نیز آمریکا تحویل بدهد، باید ملت تصمیم بگیرد و اگر خواست، تخفیفی قائل شود گروگان‌ها را آزاد کند، والا، کسانی که در داخل مملکت ما بطور مستقیم یا غیر مستقیم به کار جاسوسی مشغول بودند، مرتکب گناه بزرگی شدند که باید در دادگاه ملت محاکمه شوند.



از پیام ۱۰ فروردین مجاهدین خلق: هنوز قراردادهای شوم و اسارتبار امپریالیستی لغو نشده است

آری اکنون پس از گذشت یکسال از تاسیس جمهوری اسلامی و پس از آنهمه فریاد و خروش ضد امپریالیستی مردم، هنوز قراردادهای شوم و اسارتبار امپریالیستی افشا و لغو نشده‌اند. حتی یک فهرست از شبکه‌های جنایتکار ساواک و سیا در این مهین نیز افشا نگردیده است.

سرمایه‌های امپریالیستی در تمامیتشان بفتح مردم مصادره نگردیده‌اند و متأسفانه پایگاه‌های امپریالیستی در مهین ما در مسیر انهدام و بازسازی انقلابی کامل قرار نگرفته است. راه علاج قطعی توحیدی و ضد استعماری محوریتها و ناراضیتها بخصوص در میان افشار و توده‌های رنج‌کشیده مردم هنوز هم اساساً باز نشده مانده است. همان مردمی که پیوسته با سه‌صد و سی و شش شکر رنج انقلاب را به جان خریدند و علی‌رغم گرسنگی و بی‌کفایتی و فقر و بی‌مسکنی بازم هم از خروش و فداکاری دریغ نکردند. همان‌ها که تنها در مسیر یک بسیج متفق ضد امپریالیستی و در پی توحید و راه حل ضد استعماری توحیدی راه نجات خود را باز خواهند یافت.

همچنین در سال گذشته ملت ایران داغ برادر کشیها و جنگ‌افروزیهای انحصارطلبان را در مناطق مختلف بدل نهاد، که امیدواریم هر چه زودتر بر حسب مضمون پیام امام خمینی در مورد کردستان، حق خود مختاری ملت‌ها تأمین شده و رنج سال‌ها ستم مضاعف کاستی گیرد.

بازار ضدیت با نیروهای انقلابی نیز پر رونق بوده است، منجمده بجای افشای قراردادهای اسارت بار امپریالیستی و بجای افشای شبکه‌های ساواک و سیا و انبوه اسناد و مدارک بدست آمده از خیانتها و جنایت‌های رژیم سابق، آنچه میلیون‌ها میلیون از کسبه ملت محروم منتشر میشود، افشاکاریهای جعلی و عوام‌فریبانه‌ای است که بر ضد نیروها و چهره‌های سدید انقلابی و سبیل‌های مقاومت و شرف مردم سورت‌میکرد و با سوء استفاده ضد انقلابی از سیطره انحصارطلبانه بر نهادهای حکومتی هر روز لطمه‌ها را از پیش ادامه می‌یابد.

امپریالیستهای آمریکا نیز اخیراً با انتقال شاه خائن به مصر اورا در مرکز ضد انقلابیون فراری و در دسترس ضد انقلابیون مجال یافته که در داخل کشور بر سر می‌برند و در زیر چتر امنیتی نظام رژیم سادات خائن و اسرائیل جنایتکار قرار داده است. تا از نزدیک بر علیه انقلاب ایران به توطئه چینی بنشیند.

اما متأسفانه بجای مقابله جدی با اینگونه توطئه‌ها حتی در این روزها نیز دست‌های نفاق انگیزی در کار است که با ایجاد زمینه‌های تشنج و مناسخه و جدال داخلی، زمینه را برای بقای منافق امپریالیستها فراهم می‌سازند.

چنین است که مجاهدین خلق ایران در آستانه سالگرد تاسیس جمهوری اسلامی برای هر از امین باد مجدانه بر تداوم مبارزه بر علیه امپریالیسم آمریکا تأکید نموده و رعایت الزامات عملی و فوری آنرا بشرح زیر متذکر میگردد:

- ۱- افشای و لوکلیه قرار دادهای ایران و آمریکا به ویژه قرارداد های نظامی نفتی.
- ۲- مصادره کردن کلیه سرمایه‌های مختلف امپریالیست‌ها در ایران که سالها سال منابع ملی و مردم ما را چپاول کرده‌اند.
- ۳- افشای کلیه مأمورین، شبکه‌ها، و روابط سازمان سیا و ساواک و پیروان آنها.
- ۴- قطع کامل روابط ایران و آمریکا.

(اطلاعات، ۱۱ فروردین)



(آزادگان، ۱۴ فروردین ۱۳۵۹)

شاه در برابر مردم

آری با مردم شاه فراری
آری با مردم تکرار توحید
آری با مردم بی‌توجهی
آری با مردم بی‌توجهی

چگونه در مسیر جلوگیری از ورود انقلابیون و نمایندگان واقعی مردم به مجلس شورای ملی از هیچ چیز فروگذار نمی‌نمایند و وقتی مشاهده می‌کنند که جنگ افروزان می‌روند تا مناطق کشور را در آغوش دستخوش کشتار و تفرقه سازند، جرادری آن لیخنه مکارانه و گستاخانه به انقلاب ایران، برنمایند؟

(مجاهد، ۱۷ فروردین)

برابر نصف نیروی شوروی مقابله کنیم ولی جنگی که می‌توانیم بکنیم کوچک به کوچک خانه بجان است. اگر وارد ایران شوند در کوچه‌ها تک‌تک می‌شوند.

و باین ترتیب می‌گردید که آمریکا، در حالیکه تاوگان عظیم این امپریالیسم خونخوار آمریکا آماده حمله به ایران است، با هشدار درباره خطر موهوم حمله شوروی به ایران پایان گرفت.

آبهای خلیج پیش بیایند، ما بناید زودتر از همه از شوروی بخواهیم نیرویش را از افغانستان ببرد تا ما بتوانیم با تمام نیرو با آمریکا مقابله کنیم.

در پی این سخنان آقای قطب‌زاده مردم را از خطر حمله شوروی آگاه کردند و افزودند: مقابل با بر قدرت‌ها و حضورشان در منطقه از نظر نظامی ممکن نیست. ما دو ساعت با ارتش نمی‌توانیم در

آموزی انقلابی است. یک برخورد در جوهر خود پیام کاتر را گفته شدن چشم طمع این دشمنان قسم خورده انقلاب و انسانیت نسبت به انقلاب ایران تلقی نموده و با تاسف و هشدار انقلابی با آن مواجه می‌گردد، و هر خورد دیگر موزیانه می‌گوشد تا دشمن را در بن بست و انود ساخته و نشستی یک خرسندی پهلان را با ملامت‌های

ما نباید حضور این نیروی عظیم را در نزدیک مرزهای خود قبول کنیم. آمریکا نیروهایش را آماده نگه داشته است. اتحاد جدیدی با اسرائیل سادات و آمریکا دارد شکل می‌گیرد. برای پاسداری منطقه، ایران باید چه موضعی بگیرد؟

آقای قطب‌زاده در پاسخ گفت: حضور شوروی توجیه‌کننده حضور آمریکا است. عملاً به آمریکا کمک کرده‌اند. روسها میخواهند تا

سیدعلی خامنه‌ای:
در مقابل مسئله گروگانها تصمیم بیکباره مردم که بوسیله مجلس شورای اسلامی گرفته میشود، اعلام خواهد شد. مسئله گروگانها و این تصمیمی که از طرف مردم، بوسیله نمایندگان مردم گرفته شود، سرنوشت ساز است.

در این مسئله هیچ عامل دیگری نمی‌توانست نقش ساز باشد، لذا امام‌بارها این را تکرار کرده‌اند که سرنوشت گروگانها، به دست مردم و مجلس می‌موت مردم است. مادامی که مجلس در مورد گروگانها تصمیم نگرفته است، تصمیم ملت در مورد گروگانها آشکار نیست.

(اطلاعات، ۱۷ فروردین)

دوبار خورد متضاد با پیام کارتر

خوشبختانه نسل کنونی ما به خاطر وحدت و غلبان تضادها و سرعت رویدادها، خود قادر است بسیاری از تیریهات انقلاب ما را ماه به ماه و هفته به هفته و حتی روز به روز ملس نموده و از آن درس بیاموزد. منجمه این روزها، در عرصه سیاسی جامعه بر تالاب و انقلابی‌ها در دوبر خود به کلی متضاد با پیام مکارانه و دزدلانسه کاتر، این نماینده امپریالیست‌های جهان استوار و جنایتکار، مشاهده می‌نمائیم که از هر جهت شایسته توجه و درس-دادهای ملت محاکمه شوند.

می‌گردد تلویزیونی...

بقیه از صفحه ۵

دخول عمده‌ای که در منطقه بعد از انقلاب ایران روی داده، پایگاه امپریالیسم از دست رفته و آمریکا برای جبران این خلاء حضور نظامی عظیمی در منطقه ایجاد کرده و بویژه بعد از گروگانگیری حضور دائم پیدا کرده است. تمام این قدرت - نمایی‌ها برای ما هشدار دهنده است

با اتکا به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

کاخ بیدار بزم کدیم

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشاد توکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایران شهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک تهران ممکن است. (۲) کمک کنندگان خواهشمندیم توکی فیش بانکی را به آدرس دفتر خانه کمیته مرکزی تهران، خیابان ۹۹ آذر، شماره ۹۸ ارسال دارند.

ترکی نوشته است:
۳۰ سال اول هستم. دو تومن عیدی گرفته ام. برای کمک به خانه حزب میدهم. دوست شما ترکی.
● دوست کوچولو شهرک محقق ۹۵۲۳ ریال دکتر ب. از شهر کرد با خرید یک نسخه نامه مردم ۷۰۰

● معلمین هوادار حزب در ما سال و شانزده ماهه معادل یک روز حقوق خود را برای ساختمان خانه حزب خواهند پرداخت.
● دوستی بنام «دهده» می نویسد:
«تسمیم گرفتم خوردم همه را با ما شین مدرسه ببرم» کرایه اتوبوس آنها را (ماهانه ۳۵۰۰ ریال) برای ساختن خانه حزب تقدیم کنم.
● اعضا و هواداران حزب توده ایران در مخابرات، طی نامه ای تمهید کرده اند که برای برپائی خانه حزب هر ماه یک روز از حقوق خود را به خانه حزب اختصاص دهند.
● محمد ا. دانش آموز هنرستان صنعتی رشته برق کرمانشاه نوشته است:
«تسمیم دارم تا بهستان امسال را در یک شرکت کار کنم و پول آن را برای خانه حزب بفرستم»

روز به طاهری، ۶ ساله، از پول قلکش	۹۰۲۵ ریال
از حوزه حزبی زنان در آهوان	۸۰۰۰
گیتی	۳۰۰۰
بهنا، دهکردی از شهر کرد	۵۰۰۰
روزبه دهکردی از شهر کرد	۵۰۰۰
سازمان حزب توده ایران در شهر کرد	۳۶۶۰۰
سیما، موسی، سیلا	۵۱۰۵
آفاق اسماعیل زاده (پولهای عیدی)	۳۳۲۰
هواداران حزب در بیمارستان بنارائی	۱۰۰۰۰
افشین س.	۵۰۰۰۰
آلبرت	۱۰۰۰
نسرین	۵۰۰
جمع آوری شده در جشن هموسی کوه و تا حد در	۶۹۹۶۵
بندر انزلی	۱۰۰۰۰
سید ب.	۷۰۰۰
شیرا، کلاسی اول ابتدائی (از پول عیدی)	۱۰۰۰
فرانک	۱۰۰۰۰
شهر دار	۱۰۰۰۰
آذر	۳۱۰۰ ریال

اطلاعیه

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران با بنویسه اطلاع همگان می رساند که از این پس میتوان با تلکس شماره زیر با دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران و نشریات مرکزی حزب تماس گرفت.
214081 TPI IR
دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۵۹/۱/۱۸

برای شهیدان حزب و جنبش

«نام مردم» در نظر دارد کسبه های نام مبارزانی را که در دوران سلطنت ننگین و مشهور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود به شهادت رسیده اند، جمع آوری کند. از همین دوستان و آزادی خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «نام مردم» مراجعه کنند. با پاساژ - «نام مردم»

MARDOM
No 204
7 April 1980
Price:
West - Germany 0.60 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skp.

دبیرخانه سازمان همبستگی آسیا و آفریقا توسط امپریالیسم و ارتجاع علیه افغانستان را محکوم کرد

دبیرخانه سازمان همبستگی آسیا و آفریقا تشنج در آسیا و روابط میان جمهوری دموکراتیک افغانستان و پاکستان را مورد پرسش قرار داد. در بیانیه ای که در پایان اجلاس دبیرخانه منتشر شد، آمده است که امپریالیسم آمریکا به بهانه باصلاح «دفاع از اسلام» تلاش دارد اوضاع را در جنوب شرقی آسیای ثبات کند و برای رسیدن به این هدف از عوامل ارتجاعی فوئدال، که علیه خلق افغانستان دست به جنایت های گسترده می زنند، استفاده میکند.

دبیرخانه سازمان بانگرانی کامل مشاهده میکند که خطر تجاوز خسارچی علیه حاکمیت افغانستان همچنان بوقت خود باقی است و تلاش میشود دستاوردهای انقلاب آوریل (تور) نابود شود.

آمریکا گروه های ضد انقلابی افغانی را با نارتجک سمی مسلح کرده است

ماهیت تبلیغات امپریالیسم آمریکا و ارتجاع در باره باصلاح «استفاده از گاز سمی و سوسله شوروی در افغانستان» هر روز بیشتر از روز پیش فاش میشود. امپریالیسم آمریکا قصد داشت با این تبلیغات اقدامهای جنایتکارانه خود را علیه مردم افغانستان پنهان سازد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام کرد که از یک گروه مسلح ضد انقلابی معاصر زیادی نارتجک حاوی مواد سمی، که بر روی قدرت دین و فعالیت افراد فریادگزار، کشف کرده است. این گروه در نزدیکی مرز پاکستان بدهام افتادند. دولت افغانستان نارتجک های بدست آمده را، که مارک «کارلسبورگ پستیلوانیا» بر روی آنها دیده میشود، در معرض نمایش خبر نگاران گذاشت.

انتخاب این نارتجک ها به مقدار زیاد حتی باعث مرگ میشود. این نارتجک ها از طرف سازمان سیا در پشاور پاکستان در اختیار شورشیان افغانی قرار گرفته بود. شواهد و مدارک در مورد کشف این سلاحها و بقدری روشن بود که حتی خبرگزاری های امپریالیستی نیز نتوانستند از کنار آن بگذرند.

بدین ترتیب امپریالیسم و ارتجاع مانند دزدی که در کوچه ها فریاد می زند سر می برد، مفتضح شده اند.

به ابتکار شورای جهانی صلح هفته آسیا آغاز شد

به ابتکار شورای جهانی صلح، هفته آسیا از پنجم آوریل (۱۶ فروردین) جاری آغاز شد. در این هفته بمناسبت تقویت نیروی نظامی امپریالیسم آمریکا در اقیانوس هند و خلیج فارس مفتح شده اند.

حکومت خلق در افغانستان تحکیم میشود

محمد رفیع، وزیر دفاع افغانستان، در مصاحبه ای گفت که حکومت خلق در تمام زمینها تحکیم میشود و علمبرگم خرابکاری مزدوران مسلح، که از پاکستان به افغانستان تجاوز میکنند اقدام های گسترده و تغییرات بنیادی جامعه در جریان است.

وزیر دفاع افغانستان گفت که از جمله برای ریشه کن کردن یسوادی طرح جامعی تهیه شده است.

وی تأکید کرد که امپریالیسم، ارتجاع و سلطه چریان چون ضد انقلاب را یاری داده و به جنگ اعلام نشده علیه افغانستان دست زده اند. تروریست ها تلاش دارند به اقتصاد و برنامه های اقتصادی ضربه وارد سازند و مزارع را با تیش بکشند، اما اکنون خود دهقانان پاسخ دندان شکنی به تروریست ها میدهند.

دسایس امپریالیسم محکوم به شکست است و خلق افغان و نیروهای مسلح خلق اجازه نمیدهند مزدوران به هدف های خود برسند.

نمایندگان حزب کارگر انگلیس: ابا طیلی مانند تهدید شوروی دیگر مردم را فریب نمیدهند

دولت محافظه کار انگلستان، که با مشکلات اقتصادی بسیار عظیم مانند بیکاری، کساد توپرو دست به گریبان است، بازم بودجه نظامی کشور را افزایش میدهد. به گزارش روزنامه های انگلیس، قرارداد دسرال مالی آینده یازده میلیارد لیره برای مقاصد نظامی خرج شود. دولت تاجر در توجه این اقدام خود، که مستقیماً متوجه زحمتکشان کشور است، دستاویز کهنه و از اعتبار افتاده «تهدید شوروی» را علم کرده است.

اما این بار حتی گروهی از نمایندگان حزب کارگر انگلیس میتوان اعتراض به افزایش بودجه نظامی گفتند که «اباطیلی مانند تهدید شوروی دیگر مردم را فریب نمیدهد».

هدف دولت تاجر از افزایش بودجه نظامی، چیزی جز خدمت به انحصارات نیست.

سومالی، عمان، کنیا به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل میشوند

قرار است یک گروه نظامی آمریکایی برای «حفظ و مراقبت» از «تسهلات لژیستیک» آمریکا در سومالی، عمان و کنیا راهی این کشورها شوند. بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا یک گام دیگر به اجرای طرحهای تجاوزکارانه خود، که همانا تبدیل این سه کشور به پایگاه های خود در منطقه است، نزدیکتر شد. مقام های آمریکایی اعلام میکنند که آمریکا از «تسهلات» این سه کشور در «مواقع «بررسی» در خلیج فارس استفاده خواهد کرد».

رقفای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشره در نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از اعلامیه ها، کتب و به وسیله اشکال گوناگون در دسترس قرار دهید. در شرایط کنونی این یک وظیفه مبرم انقلابی است.

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، می توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۱ تا ۱۴ صبح و از ۱۵ تا بعد از ظهر در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند. در شهرستانها نیز دفاتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است.

شوخنی نیست... «مبارزان مسلمان افغانستان» مواضع خود را به آسمان انتقال داده اند!

خبرگزاری یونایتد پرسی، که صدا و سیما و جریاند جمهوری اسلامی ایران به اخبار آن علاقه خاص نشان میدهند، گزارش داده است که «نیروهای شوروی طی حملات تهاجمی خود به استانهای بدخشان و کونار، مواضع مبارزان مسلمان را با موشکهای زمین به هوا درهم کوبیده اند».

این خبر، که یونایتد پرسی آنرا از قول «مسافری که از کابل آمده اند» و خود آنرا از دیدلماهای خارجی میقیم افغانستان شنیده اند، نقل کرده است. هینا از صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد و در مطبوعات داخلی نیز چاپ رسیده. طبق این خبر، «مبارزان مسلمان افغانی» در مواضع خود تمهیرات جدی وارد کرده اند و از جمله آنها راه آسمان متفصل ساخته اند! همین دلیل هم قوای شوروی از موشکهای زمین به هوا علیه آنها استفاده کرده اند.

از قدیم گفته اند، دروغ هر چه بزرگتر باشد، تاثرش بیشتر است، ولی همان قدما همین گفته اند که، دروغ که اندر می آید از دویا میلنگد!

معجزه بزرگ

مرحله اول انتخابات در تهران به پایان رسید و از میان سنندوقهای آرا «بسیز بزرگ» متولد شد. همانطور که میدانید، در انتخابات دهها گروه سیاسی شرکت کردند، که هر کدام لیست های کاملاً متفاوت داشتند و افراد کاملاً جداگانه ای را نامزد مجلس کرده بودند. حتی سه لیستی که بالاترین رای را در انتخابات آوردند، کاملاً با هم فرق داشتند. از طرف دیگر میدانید که گروه های سیاسی در یک نقطه تهران و یا در یک محل زمین زندگی نمیکنند و مردم یا ایندولژی ها و سلیقه های سیاسی مختلف در هم جای شمر پراکنده اند. بدین ترتیب، آرای که به سنندوقها میریزد، اگر تعلقشود، هرگز نمیتواند در همه نقاط تهران و در همه حوزه ها یکسان باشد. بنابراین، در رأی مثلاً ۳ هزار نفر، ترتیب آراء به همگی است. در ۱۰ هزار نفر به ترتیب دیگر و همینطور تا پایان این در آخرین روز انتخابات است که ترتیب افراد انتخاب شده روشن میشود.

در تأیید این نظر کافی است به اولین نتیجه انتخابات که در تهران اعلام شد، مراجعه کنید. در این رأی گیری، بر اساس ۳۰۰۱۰۸ رأی از ۴۰۹۹ سنندوق، ۳ نفر از ائتلاف بزرگ، ۲ نفر از هنام، ۳ نفر از مجاهدین خلق، ۱ نفر از جابا و ۲ نفر از گروه های مختلف دارای اکثریت آراء بوده اند.

می بینید که در این لیست ۱۱ نفر از گروه های مختلف قرار دارند و ترتیب آنها هم بر حسب لیستی نیست، بلکه آمیزهای است از آراء گوناگون مردم. اما این شکل دادن و پیکس انتخابات، از رویه هم خورد و در دهین روز اعلام نتایج انتخابات تهران، لیستی ارائه شد که نه تنها با لیست روز اول کاملاً فرق داشت، بلکه تا پایان ثابت ماند. وقتی لیست جدید اعلام شد، بر اساس آرای ۴۰۹ سنندوق دیگر در ۱۰۱ حوزه تهران، ۱۶ نفر به ترتیب قرار داشتند، که ۱۳ نفر آنها از ائتلاف بزرگ و ۳ نفر از گروه هنام بودند. در این روز سنندوس یازدهگان اولین رای بود. نتایجی که رویه اعلام شد نشان میداد که در ۸۱۰ حوزه رأی گیری هم این لیست، که ترتیب افراد آن هم پشت سر هم ثابت بود، ثابت مانده و نتایج سنندوس یازدهگان از مقام اولی کنار رفته است. در لیست جدید تنها افراد ائتلاف بزرگ و هنام باقی مانده بودند. در این حوزه ها ۶۸۵ هزار نفر رأی داده بودند.

تعداد آراء به نزدیک ۸۰۰ هزار رسید و به از هم لیست ثابت بود. تعداد آراء از نزدیک میلیون نفر گذشت و به از هم لیست ثابت ماند. روز ۲۰ فروردین آراء یک میلیون و سیصد هزار در ۲۱۴۰ حوزه اعلام شد و به از هم لیست ثابت ماند. این لیست در یک میلیون و ۵۰۰ هزار رأی و دو میلیون رأی هم همچنان ثابت ماند و نتایج سنندوس یازدهگان از مقام هشتم به مقام سوم آمد. نتیجه رأی چه بود؟ ۱۳ نامزد از ائتلاف بزرگ و ۳ نامزد از گروه هنام.

به نظر میرسد معجزه بزرگی که از سنندوقها در آمد، نتیجه ائتلاف بزرگ، اصلی بین دو گروه برنده در حکام ششاری آراء باشد!

بهره بیشتر از کارگران!

مدیر عامل شرکت تعاونی اعتبار کارگران «دها» طی اعلامیه ای خطاب به کلیه اعضای شرکت تعاونی اعتبار کارگران فرودگاه مهرآباد تهران، میزان بهره دریافتی را بابت وام شش ماهه ۷ درصد اعلام کرده است. بگذریم از اینکه حداکثر وام پانزده سی هزار ریال آنهم به کارگرانی است که حداقل یکسال سابقه کار در هواپیمائی ملی داشته باشند. اما سالها بر سر این است که در سیستم بانکی ایران عنوان بهره حذف شده و میزان کاربزه به ۴ درصد کاهش داده شده است. حالا چطور است که این میزان برای کارگران سه درصد هم افزایش می یابد و بنام بهره رسماً از آنها طلب میشود. معلوم نیست.

مجمع الجزایر برای حل مشکلات ایران

سرپرست ستاد بسیج ملی ایران در رابطه با بسیج اعتماد در سطح کشور، در مصاحبه ای با خبرنگار اطلاعات گفته است: «پس از پایان مهلت یک ماهه، بدون کوچکترین اغماض کلیه متقاضیان راه جزایر، که برای آنان در نظر گرفته شده، انتقال خواهیم داد».

با توجه به اینکه تعداد متقاضیان ایران در همین مساجه ۵۶۴ میلیون نفر ذکر شده، آشنایان با جغرافیای ایران دنبال جزیره ای میگردند که برای این همه متقاضی که تعدادشان برابر با جمعیت تهران است، گنجایش داشته باشد.

واژ آنجا که این چندمین بار است که برای حل مشکلات ایران، طرح جزیره پیشنهاد میشود، اگر همینطور پیش برود و طرح جزیره گل کند، در آینده نزدیک باید شاهد ایجاد مجمع الجزایر حل مشکلات ایران باشیم. جزایری که در یکی از آنها متقاضیان هستند، در یکی بیکاران ...

اصل قاندهن اساسی را در همه دردمند که در بازار گاز خا خا کنند